

همبستگی

رایگان

نشریه فدراسیون سراسری شوراهای پناهندگان و مهاجرین ایرانی



عکس از: علیرضا...

- * مبارزه علیه بیکاری در میان مهاجران
- * کنفرانس زنان در اتریش
- * مسخرگی سفارت جمهوری اسلامی ایران
- * زنان و کنفرانس جمعیت در قاهره
- * فیلمی درباره کارگران بریتانیا
- * بیماری آمالکام
- * حامیان اروپایی حکومت اسلامی افغانستان
- * هنرمندان سوسیالیست تکانی بخورند!

انتگراسیون و ادغام پناهنده و مهاجر

موضوع اصلی بحث کنگره پنجم فدراسیون سراسری شوراهای پناهندگان و مهاجران ایرانی، و کنفرانس دوم آمریکای شمالی آن، مسئله انتگراسیون، یا ادغام، پناهنده و مهاجر در جامعه جدید او بود. کنگره یک سند بنام "سند پایه درباره انتگراسیون" را به همراه چند قطعنامه مطالباتی تحت عناوین مطالبات عمومی برای مهاجرین، مطالبات در مورد کودکان مهاجر، مهاجران سالمند، مهاجران جوان، مهاجران زن، و کارگران مهاجر در بازار کار تصویب کرد که در زیر مطالعه می‌کنید. با توجه به اهمیت این بحث، نظریات دیگر سخنرانان اصلی کنگره در مورد انتگراسیون در شماره‌های آینده همبستگی بتدریج منتشر خواهند شد. از خوانندگان همبستگی دعوت می‌کنیم که در این بحث شرکت کنند و مقالات انتقادی یا تکمیلی خود را برای همبستگی بفرستند.

سند پایه درباره انتگراسیون

۱- کلیات

و به حاشیه رانده شدن آنها بوده است. ایجاد گتوها یا محلات ویژه مهاجرین یکی از نمودهای آزاردهنده و برجسته تبعیض عملی نسبت به اکثریت پناهندگان و مهاجران تازه‌وارد در کشورهای مربوطه است. وجود محلات ویژه ترکها در آلمان، محلات هندی‌ها و پاکستانی‌ها در انگلستان و گتوهای الجزایری نشین و مراکشی در فرانسه به یکی از خصوصیات مشخص این جوامع تبدیل شده‌اند. وجود این گتوهای منزوی از متن اصلی جامعه اجازه میدهد که همه خصوصیات، فرهنگ، باورها و رفتار عقبمانده و ارتجاعی مهاجرین بدون تاثیرگیری از جامعه پیرامونی آنها ادامه حیات یابند و به عاملی برای عقب نگه داشتن نسل جوانتر مهاجرین، و یا تقابل حاد آنان با والدینشان و این سنن عقب مانده، تبدیل گردد. ناسیونالیسم مهاجرین، بعنوان ایدئولوژی عمده غالب در بین آنان، توجه کافی برای این انزوای طلبی را تحت پوشش حفظ فرهنگ و رسوم خودی فراهم می‌آورد. این وضعیت بویژه در شرایط اوج راسیسم و فاشیسم در کشورهای غربی تشدید شده است و ما اکنون در بسیاری موارد شاهد قطبی شدن جامعه و تفکیک هر چه بیشتر مهاجرین از بقیه شهروندان جوامع مربوطه هستیم.

مسئله ادغام پناهندگان و مهاجرینی که به کشور دیگری می‌روند، بخصوص کشورهای اروپایی و شمال آمریکا، یک مسئله دیرینه است. کشورهایمانند آمریکا و کانادا اساساً کشورهای هستند که در اثر مهاجرت شهروندان غیر بومی بوجود آمده‌اند. با این وجود مسئله مهاجر و پناهنده در پایان قرن جاری بطور برجسته ای و به دو عدت عمده مطرح است. اولاً به این دلیل که طولانی شدن دوره رکود اقتصادی در جوامع غربی، که با خود بالا رفتن نرخ بیکاری و تشدید فقر و فلاکت توده عظیم مردم کشورهای صنعتی و مهاجرینیر را به همراه داشته، با افشاء همه جانبه و کافی سرمایه‌داری بعنوان عامل اصلی ایجاد این وضعیت همراه نبوده است. لاجرم تلاطم این وضعیت زمینه را برای رشد راسیسم فراهم کرده است. راسیسمی که خارجی و مهاجر را عامل این وضعیت قلمداد می‌کند. مطالبه جدا کردن حساب مهاجرین و پناهندگان از سایر شهروندان جامعه در متن همین شرایط و به یمن فعالیت و تبلیغات رسمی و غیر رسمی احزاب راست و فاشیست بطور جدی مطرح شده است.

ثانیاً با پایان جنگ سرد و زیر سوال رفتن کنوانسیون ژنو در عمل توسط تقریباً همه کشورهای امضاء کننده آن، پناهنده به سختی به این کشورها راه می‌یابد و از همان بدو ورود بسیاری از حقوق انسانی و اجتماعی و سیاسی شامل حال او نمی‌شود. پناهندگانی که در این سالها وارد کشورهای پناهنده پذیر می‌شوند از همان آغاز محکوم هستند به یک موقعیت درجه دوم و نازل در جامعه تمکین کنند.

طی دهه گذشته صدها هزار پناهنده ایرانی در کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی مقیم شده‌اند. با طولانی شدن اقامت آنها در این کشورها، تصور موقتی بودن اقامت در خارج بطور اجتناب ناپذیری جای خود را به مسئله انطباق شان بعنوان مهاجر در جوامع جدید داده است. موقعیت فردی و اجتماعی و نحوه ادغام آنها در این جوامع مسئله روزمره، حاد و میرم همه آنهاست. دشواری قضیه در این است که یک راه حل جا افتاده و انسانی برای حل این مسئله در مقابل این مهاجرین تازه‌وارد قرار ندارد و بدون وجود یک راه حل سوسیالیستی و انسانی، آنها قربانی راه‌حل‌های غیرانسانی و تبعیض‌آمیزی خواهند شد که هم اکنون از جانب ناسیونالیسم خودی و غیرخودی ارائه می‌شود.

۲- تلقیات رایج

تا آنجا که به ادغام پناهندگان و مهاجرین در جوامع جدیدشان برمیگردد، سه دسته طرز تلقی و یا سنت اصلی قابل تفکیک وجود دارند. طبعاً علاوه بر این نگرشها، مکاتب و باورهای دیگری نیز وجود دارند که هر کدام وجوهی از این طرز تلقی‌های اصلی را در بر می‌گیرند. در اینجا ما صرفاً بر روی مکاتب اصلی مربوط به انتگراسیون تاکید داریم.

ناسیونالیسم و انزوای طلبی

وجود اختلافات فرهنگی بین مهاجرین تازه وارد و شهروندان کشورهای غربی یک عامل مهم برای کنار ماندن این مهاجرین از بستر عمومی جامعه

تسلیم طلبی و انتگراسیون غیرانتقادی

نقطه مقابل ناسیونالیسم و انزوای طلبی مهاجرین، تسلیم طلبی و ادغام غیرانتقادی آنان در جوامع جدید است. در تقابل با تبعیض جامعه جدید بخشی از مهاجرین، محل تولد، زبان مادری و کل سابقه فرهنگی و اجتماعی گذشتشان را عواملی منفی می‌پندارند. از نظر آنان اینها همه نکاتی هستند که علنی‌شدنشان باعث در انزوا ماندن و نزول موقعیت اجتماعی فردی آنان خواهد بود. برخی از مهاجرین از بیان اینکه از کجا می‌آیند، چرا به کشورهای اروپایی و یا آمریکای شمالی آمده‌اند و از چه سابقه اجتماعی و فرهنگی برخوردارند، خجالت می‌کشند. بخشی از طبقه حاکمه در جوامع جدید هم تسلیم و تمکین کامل مهاجر به تمام معیارها و ارزشهای موجود در آن جامعه را شرط زندگی و اقامت وی در کشور جدید می‌کنند. بالا گرفتن راسیسم و بویژه راسیسمی که متوجه "جهان سوم" است، باعث غلبه بیشتر این طرز تفکر تسلیم طلبانه در بین بخشی از مهاجرین شده است. مهاجرینی که از این طرز تلقی متأثر هستند بجای تاکید بر هویت خود بعنوان انسان و بدین ترتیب خواست حقوق و امکانات برابر با سایر شهروندان در جامعه مستقل از رنگ پوست، زبان، محل تولد، سابقه فرهنگی و اجتماعی، بدون انتقاد همه ارزشهای رایج در جامعه جدید را می‌پذیرند و خود را تسلیم آنها میکنند. این طرز تلقی نه فقط نسبت به تفکرات و باورهای راسیستی و فاشیستی غالب در جامعه نقدی ندارد بلکه با پذیرفتن آنان به این تفکرات مشروعیت میدهد.

جامعه چند فرهنگی

در مقابل دو طرز تلقی سنتی فوق، یک مکتب جدید در مورد ادغام پناهنده و مهاجر در جامعه جدید شکل گرفته است. در این مکتب، وجود تمایزات و سنن فرهنگی بین مهاجرین و جوامع جدیدشان فرض گرفته شده و پذیرفته می‌شود. بار طبقاتی فرهنگ حذف گردیده و مشخصه‌های "ملی"

و قومی هر چه بیشتری برای فرهنگ و سنن مردم تراشیده می‌شود. با شروع از این نقطه حرکت سردمداران نسبی گرانی فرهنگی اعلام می‌کنند که فرهنگ هیچ ملتی برتر از فرهنگ ملت و قوم دیگر نیست. این مکتب خواستار ایجاد یک جامعه چند فرهنگی است که اساس آن متکی بر برسمیت شناختن و محترم و برابر دانستن ارزشها و ویژگیها و اختلافات فرهنگی و اجتماعی بین اقوام و ملل مختلف می‌باشد. طرفداران این مکتب خود و دیگران را از نقد و طرد علنی ارزشهای فرهنگی و اجتماعی عقب مانده و ارتجاعی، حال این ارزشها متعلق به هر کس که باشد، برحذر می‌دارند. در این طرز تلقی ظاهرا غیربرتری طلب، عقبماندگی‌های فرهنگی، سنن ارتجاعی مذهبی، ارزشهای بورژوازی و فرهنگ انسانی و برابری طلبانه، همه با هم محترم و هم ارز قلمداد می‌شوند. ایجاد مدارس مذهبی و اسلامی برای کودکان بیگناه، تجزیه مدارس بر اساس جنسیت، حفظ خانواده پدسالار، تقدیس و تشدید فردگرایی و رقابت انسانها با یکدیگر و غیره همه ارزشهایی هستند که بطور برابر در این مکتب پذیرفته میشوند. این مکتب، که به "چند فرهنگ‌گرایی" موسوم است و هدف خود را ایجاد جامعه چند فرهنگی اعلام می‌کند و عمدتا از طرف احزاب لیبرال سنتی و چپ پارلمانی اروپا و کانادا عنوان میشود، با پذیرش عقب ماندگی فرهنگی و جاودانی کردن تفاوت‌های ملی و فرهنگی، موقعیت دست دوم مهاجرین در جامعه و وجود گتو در جوامع غربی را توجیه می‌کند و در عمل به تداوم حیات باورها و عملکرد ارتجاعی در جامعه و تشدید فشار راسیستی بر اکثریت مهاجرین منجر خواهد شد.

۳- انتگراسیون انتقادی

در هر یک از سه مکتب فوق تصادف تولد افراد بدر یک نقطه از کره زمین، و یا در خانواده‌های با باورهای مذهبی معین، به هویت دائمی و تعیین کننده آنان، یعنی هویت ملی یا مذهبی فرد مربوطه، ارتقا می‌یابد. استنتاجات متفاوت این مکاتب هر چه که باشند، پیش‌فرضهایشان به یکسان غلط و ارتجاعی است و کاربردشان هم در جامعه بدرجات مختلف ضامن بقای افکار و رسوم ارتجاعی، جفا نگهداشتن انسانها از یکدیگر در جامعه بر اساس تمایزات ملی و مذهبی و قومی، و بالاخره سرپوش گذاشتن بر، و یا حاشیای کردن، تفاوت و تبعیض حقیقتا موجود در تمام جوامع، یعنی تفاوت و تبعیض طبقاتی است. در مقابل این مکاتب و ادراکات، طرز تلقی سوسیالیستی از انسان، ارزشهای برابری طلبانه و برسمیت شناختن هویت مشترک، جهانشمول و انسانی هر فرد است. محل تولد، زبان مادری، فرهنگ و سابقه اجتماعی گذشته افراد هیچکدام ارزشهای جهانشمول حقیقی برای پذیرش فرد به جامعه نباید باشند. اما انسان بودن آنها این خصوصیت را دارد. بهمین سان، سنت، فرهنگ، رفتار اجتماعی و اخلاقیات مهاجرین تنها و به درجای باید محترم شمرده شود که به برابری، آزادی و حرمت فردی احترام می‌گذارند. هر سنت و فرهنگی که مانعی بر سر راه رشد آزادانه فرد در جامعه باشد، باید طرد شود. همین تاکید درباره فرهنگ، سنن اجتماعی و اخلاقیاتی صلق می‌کند که جامعه جدید در مقابل فرد مهاجر می‌گذارد. کسی که به جامعه جدید پذیرفته می‌شود تنها قرار نیست از جامعه متأثر شود، خود او در عین حال باید عامل تغییر جامعه بظرف آرمانها، فرهنگ و رفتار بهتر و انسانی‌تری شود. انتگراسیون انتقادی، یعنی ادغام فرد در جامعه بنحوی که فرد و جامعه از این امر بنحو مثبتی تاثیر گیرند. انتگراسیون انتقادی تاثیر متقابل فرد و جامعه بر یکدیگر و قرار دادن هویت و خصوصیت انسانی افراد مستقل از ملیت و نژاد و رنگ پوستشان را نقطه شروع خود میدانند. انتگراسیون انتقادی فقط یک تمایز جمعی بین انسانها را برسمیت می‌شناسد و آنهم تمایز و تفاوت طبقاتی است. هیچ مکتب و تئوری نمی‌تواند همه آحاد جامعه را در مورد ارزش و موقعیت انسان راضی کند. ما اصرار ویژه‌ای بر نام انتگراسیون انتقادی نداریم. اما مضمون این برخورد به مسئله موقعیت اجتماعی پناهنده و مهاجر در جامعه جدید فقط نظر موافق کسانی را جلب خواهد کرد و به دل کسانی خواهد نشست که در ادامه تمایزات و اختلافات ملی و قومی و مذهبی فقط انحطاط جامعه بشری را می‌بینند و با آن مخالفتند. اکثریت پناهندگان و مهاجرین جهان در دو دهه گذشته، دیر یا زود، به صفوف کارگران و مزدبگیران در جوامع جدیدشان می‌پیوندند و منفعتی جفا از این اکثریت هر جامعه موجود بشری نخواهند داشت.

واضح است که این طرز تلقی حقانیت خود را از تعداد کسانی که فی‌الحال با آن موافق هستند نمی‌گیرد. انتگراسیون انتقادی، روشی متفاوت و متمایز

از طرز تلقیاتی است که با حرکت از خصوصیات ملی فرد، عقب ماندگی فرهنگی، زندگی منزوی، گتوهای ویژه خارجیان، و شهروند درجه دوم شدنشان را به آنها تحمیل می‌کند. این طرز تلقیاتی در شرایط فعلی بخاطر سلطه فرهنگ و سنن ملی و حمایت فعال مطبوعات و احزاب بورژوازی در جوامع غربی دست بالا را دارند. انتگراسیون انتقادی، در مقابل این طرز تلقیاتی قرار دارد. در این نگرش مبارزه علیه ناسیونالیسم خودی و همسایه و باورهای ارتجاعی مذهبی به اندازه مبارزه علیه راسیسم و فاشیسم مهم است.

۴- مطالبات مهاجرین

با اعتقاد به هویت برابر و جهانشمول انسان، فدراسیون سراسری شوراهای پناهندگان و مهاجرین ایرانی خواستار تحقق مطالباتی است که بطور جدی موقعیت فرد مهاجر در جامعه را بهبود می‌بخشد و او را در موقعیت برابر برای تاثیر گذاردن بر شرایط اجتماعی و سیاسی محیط خود قرار می‌دهد. اهم این مطالبات به قرار زیر هستند:

مطالبات عمومی

هر فرد به شرط تقاضای تابعیت، شهروند کامل جامعه جدید خود شناخته بشود و از حقوق اجتماعی و سیاسی یکسان با سایر شهروندان برخوردار گردد. این یعنی که،

- ۱- در زمینه حقوق سیاسی از حق انتخاب کردن و انتخاب شدن برای همه نهادهای قانونگذار، قضایی و اجرایی برخوردار باشد؛
- ۲- در زمینه اشتغال، کسب شغل، بهره مند شدن از قوانین کار نه به او تبعیضی روا شود و نه در موقعیت فرودست قرار گیرد. سوابق کار گذشته هر کس در جامعه جدید باید کاملا به رسمیت شناخته شود و در تعیین درآمد و موقعیت شغلی به حساب آید؛
- ۳- در زمینه تحصیل و انتخاب رشته تحصیلی هیچ تبعیض قانونی یا عملی به او اعمال نشود؛
- ۴- در زمینه پرورش کودکان خود از امکانات و شرایطی مشابه سایر شهروندان برخوردار شود؛
- ۵- در زمینه مسکن، از حق انتخاب کامل محل سکونت بهره‌مند باشد؛
- ۶- در زمینه مسافرت، از حق نقل و مکان کامل و بدون محدودیت برخوردار باشد؛
- ۷- هر گونه رجوع به ملیت، مذهب و عقاید سیاسی افراد در اسناد دولتی و یا آرشیهای دولتی ممنوع شود. تفکیک یا گروه‌بندی شهروندان جامعه بر اساس عناوینی چون خارجی و غیرخارجی باید متوقف شود. ارجاع به عقیده مذهبی، غیرمذهبی، ملیت یا نژاد کسی که مرتکب جرم شده است باید غیرقانونی و ممنوع اعلام شود.

مطالبات کودکان مهاجر

هر گونه محدودیت و تحمیلی که کودکان مهاجر را تحت بهانه فرهنگ و سنت ملی در موقعیت نابرابر در جامعه قرار میدهد و عقب‌ماندگی اجتماعی آنها را باعث می‌شود باید غیرقانونی اعلام شوند. بدین منظور خواهان تحقق مطالبات زیر هستیم:

- ۱- ممنوعیت هرگونه آموزش مذهبی و یا ایجاد مدارس مذهبی برای کودکان تا سن شانزده سالگی؛
- ۲- ممنوعیت هر گونه جداسازی دختران و پسران در مدارس؛
- ۳- ممنوعیت ختنه پسران و دختران خردسال؛
- ۴- فراهم بودن، و نه اجباری بودن، امکان یادگیری زبان مادری،
- ۵- مبارزه با بذرقتاری با کودکان مخصوصا به بهانه به اصطلاح زمینهای فرهنگی و ملی متفاوت

مطالبات مهاجرین سالمند

مهاجران سالمند باید از امکانات لازم در جامعه جدیدشان برخوردار باشند به این منظور:

بقيه در صفحه ۲۳

کارگردان فیلم «لیدی برد»:

این فیلم درباره مشکلات روزمره طبقه کارگر بریتانیاست!

چرا بیشتر به واقعیت نچسبیده‌اید؟

ج - فقط اسم اشخاص را عوض کرده‌ایم. اما تمام آنچه که در فیلم میگذرد واقعا اتفاق افتاده است. یکی از اهداف ما تلاش برای بررسی رابطه بین دو نفری بود که رنج و عذابشان هیچوقت به روشنی در این رابطه بیان نمیشود، بلکه منتهی به خشمی میشود که سرانجام همه چیز را منهدم میکند. بهمین دلیلی است که فیلم را بر یک مستند ترجیح دادیم.

س - اما این فیلمی برای سرگرم کردن بیننده نیست...

ج - البته که نه، ما خواسته ایم چیزی را نشان بدهیم. باید تماشاچی را علاقمند کرد، اما من امیدوارم که توانسته باشیم سوالاتی را که جواب نگرفتند طرح کنیم. دفعه دیگر که افراد داستان مشابهی را میخوانند، به ابعاد و جوانب دیگر مساله توجه خواهند کرد.



صحنه‌ای از فیلم لیدی برد

س - فیلم بعدیتان درباره چیست؟

ج - در مورد داوطلبان تمام کشورهایی که در دهه سی این قرن قبل از تشکیل "بریکاد بین‌المللی"، برای مبارزه علیه فاشیسم به اسپانیا رفتند. می‌خواهیم بفهمیم چرا مبارزه علیه فاشیسم شکست خورد. چرا انقلاب پیروز نشد. چه بر سر اشخاصی آمد که برای این ایده آل مبارزه کردند.

ترجمه از فرانسه: نادر بگتاش

Lady Bird (لیدی برد) آخرین فیلم Ken Loach است. همزمان با شروع اکران عمومی آن در فرانسه، لیبراسیون مصاحبهای با کارگردان انجام داده است که در توضیح آن نوشته است: "این واقعه نگاری درباره یک مادر خانواده که بوروکراسی بجهایش را از او میگیرد، امید زیبایی یک سینمای اجتماعی را مجددا زنده میکند". داستان فیلم درباره زنی است که سرویسهای اجتماعی بچه هایش را از او میگیرند زیرا مادر را صالح برای نگهداری و تربیت بچهها تشخیص نمی‌دهند. این مصاحبه در لیبراسیون مورخ ۲۸ سپتامبر ۱۹۹۴ چاپ شده و ترجمه آنرا در زیر می‌خوانید.

س - **Lady Bird** درباره مشکلات روزمره طبقه کارگر در بریتانیاست. آیا واقعیت امروز این کشور را بیان میکند؟

س - با این وجود دولت محافظه کار کنونی هر نوع بحران بافت اجتماعی را انکار میکند...

ج - ما کماکان در یک جامعه طبقاتی زندگی میکنیم. محافظه کاران همیشه آنرا انکار میکنند چون سیستم سیاسی‌شان مبتنی بر همین طبقات است. احمقانه اینست که حزب کارگر هم ادعا میکند که دیگر طبقه مردمی وجود ندارند. اما این طبقه وجود دارد و بعلاوه دیگر کار نمیکند. کار نیست. سیستم کنونی مصرف کننده ایجاد کرده، اما دیگر تولید کننده‌ای نیست. این وضعیت نمی‌تواند ادامه یابد، با این وجود سیاستمداران به اصطلاح چپ همه تبدیل به مجیزگویان "اقتصاد آزاد" شده اند. همین اوضاع در فرانسه و اسپانیا هم رخ داده است.

س - یکبار دیگر شما با هنرپیشه‌های غیر حرفه‌ای کار کرده‌اید. چرا؟

ج - این کار اجازه میدهد که افراد توانا به کشف خود، که "بلون دفاع" هستند و در مقابل هر آنچه که میتواند اتفاق بیفتد مقاومتی ندارند، پیدا شوند. وجود این افراد داستان را جذاب کننده میکند. من فکر میکنم بسیار مشکل است که کسی "انگار" که متعلق به طبقه کارگر است، نقشی را بازی کند.

س - شما اتفاقات واقعی را دراماتیزه کرده‌اید.

ج - کاملاً. هنوز در این کشور کسانی هستند که باید هر روز برای بقاشان مبارزه کنند. اما داستان "مگی"، چهره اصلی داستان، همچنین حکایت زنی است که در دایره‌ای از خشونت خانوادگی، از زمان بچگی‌اش، گرفتار آمده و این تجربه در تمام طول حیاتش تکرار میشود. این یکی از دلایلی است که باعث میشود سرویسهای اجتماعی بجهایش را از او بگیرند. مگی توقعات خیلی کمی از زندگی دارد و با این وجود نمی‌خواهد تسلیم شود.

س - آیا فیلم متکی بر یک داستان واقعی است؟

ج - یکی از دوستان زوجی که این اتفاقات برای آنها افتاده نامهای برای من نوشت و داستان را توضیح داد. من و Rhona Munro سناریست، تصمیم گرفتیم آنها را ببینیم. تراژدی آنقدر قوی بود که میبایست آنرا حکایت میکردیم.

س - آیا احساس میکنید که داستان مگی غیر استثنایی است؟

ج - مساله افراد نیستند. کارکنان سرویسهای اجتماعی که شدیداً کار میکنند پول کمی دریافت می‌نمایند. اما تعداد افرادی که به کمکشان نیاز دارند بسیار زیاد است. حال آنکه این کارکنان وقت این را ندارند که آنچه را که آشکار بنظر میرسد ببینند. در مورد مگی برداشت آنها این است که کسی که با او زندگی میکند رفتاری خشن دارد و زندگی فرزندانش در معرض خطر قرار گرفته است. آنها نمی‌بینند که مگی همچنین مادری است که عاشق بچه‌هایش است. تصمیم آنها درست نیست. قبلاً

بیماری آمالگام

دکتر آندرش لیندوال

باعث آزاد شدن مقدار بیشتری از جیوه آمالگام می شوند.

آیا احساس خستگی شدید می کنید؟ از درد مفاصل یا افسردگی یا اختلالات خواب رنج می برید؟ تمام این ها ممکن است به دلیل جیوه آزاد شده از آمالگام دندان هایتان باشد. ولی قبل از همه، برای رد کردن عوامل دیگر، به پزشک تان مراجعه کنید.

سرگیجه و خستگی مزمن من پس از تعویض آمالگام ناپدید شدند

مسیر تشخیص و درمان

یکی از بیماران چنین تعریف می کند: بیماری من سال ۱۹۸۷ آغاز شد. نیمه شب با سرگیجه شدیدی از خواب پریدم. از شدت سرگیجه قادر به برخاستن نبودم. دوباره به خواب رفتم، و صبح بدون سرگیجه از خواب برخاستم. اما سرگیجه های شدید به صورت دوره ای به سراغم می آمدند. به مرور دچار کاهش قوه شنوایی شدم. داستان به همین جا ختم نشد. ناراحتی های دیگر، یکی پس از دیگری پیدا شدند. خستگی، بی حالی، تهوع، کاهش وزن، تاری دید، بی خوابی، احساس سنگینی سر، اشکالات تعادلی بدن، و احساس همیشگی

پس از معاینه کامل بیمار و آزمایشات گوناگون جهت رد کردن یا اثبات بیماری ها و عوامل دیگر، تحقیقات آلرژی در مورد اینکه آیا بیمار قبلا دچار حساسیت به فلزات شده یا نه آغاز می شود. قدم بعدی تست Melista است. در طی این تست، گلبول های سفید خون، که همان سلول های دفاعی بدن هستند، به نوبت در معرض فلزاتی قرار می گیرند که در پر کردن دندان های بیمار به کار رفته اند. برای هر فلز آزمایش مخصوص به خود صورت می گیرد، و به این طریق نشان داده می شود که سلول ها به کدام یک از این فلزات حساسیت دارند. این آزمایش برای فلزات جیوه، مس، قلع، نقره، روی، تیتان، سرب، و... (فلزاتی که در پر کردن دندان مورد استفاده قرار می گیرند) انجام می شود.

احساس همیشگی بیماری و خستگی ممتد از علائم شایع مسمومیت جیوه آمالگام می باشند. ولی علائم بیماری آمالگام بسیار متنوع اند. درد مفاصل و عضلات، عفونت های عود کننده همراه با گلودرد، بزرگ شدن غده لنفی، اختلالات خواب، افسردگی، احساس بیمارگونه گرما در بدن، و احساس حساسیت های نامعمول پوست از این جمله اند.

کسی که دچار مسمومیت مزمن جیوه است، ممکن است زودرنج و دچار اختلال حافظه شود. قدرت حافظه نزدیک بیشتر از همه صدمه می بیند. در حالت تبیین این بیماری، شخص برای انجام هر کاری یادداشت برمی دارد، در برخورد همزمان به چند مساله احساس ناتوانی و سرگشتگی می کند، و هنگام مطالعه به سرعت از سر و صدای کودکان آزرده می شود.

جیوه آزاد شده از آمالگام تاثیرات مخربی بر تعداد زیادی از اندام های بدن می گذارد. مغز حساس ترین عضو بدن در مقابل جیوه می باشد، و بی سبب نیست که شایع ترین عوارض مسمومیت جیوه، عوارض مغزی هستند. ولی باید توجه داشت که قبل از رسیدن به تشخیص مسمومیت جیوه، برای رد کردن بیماری های دیگر، شخص باید تحت معاینات و آزمایشات دقیق پزشکی قرار گیرد. تنها علامتی که صد درصد حاکی از مسمومیت جیوه است، نوعی ضایعات مخاطی دهان به نام LICHEN می باشد. با دیدن چنین علامتی در دهان بیمار می توان با اطمینان زیاد مسمومیت جیوه را تشخیص داد. مابقی عوارض جیوه اما در بیماری های دیگری هم مشاهده می شوند.

تلاش پزشکان راه به جانی نمی برد. خودم فکر می کردم شاید علت نوعی حساسیت غذایی است، و به همین دلیل سر توی کتاب ها کشیدم و تعداد زیادی کتاب درباره آلرژی مطالعه کردم، ولی چیزی دستگیرم نشد. مدت ها گذشت تا این که روزی به طور اتفاقی اعلامیه ای از انجمن مبارزه با عارضه های دندان پزشکی را خواندم که به لیست طولانی علائمی تحت عنوان "بیماری آمالگام" اشاره می کرد. این علائم مشابهت زیادی با بیماری من داشت. با این که در آغاز به چنین احتمالی مشکوک بودم، ولی به هر صورت و شاید هم از روی ناچاری با پزشک مربوطه تماس گرفتم. بلافاصله داروی ضد اکسید کننده دریافت کردم. تاثیر مثبت دارو از همان آغاز مشهود بود. اولین آزمایش خون نشان داد که غلظت جیوه نسبتا بالاست. به همین دلیل، پزشک تعویض آمالگام های دندان هایم را توصیه کرد.

تعویض آمالگام ها آغاز شد، ماهانه یک دندان. با تعویض هر پرکردگی، به دلیل بدتر شدن بیماری مجبور می شدم یک هفته اجازه استراحت بگیرم و در منزل بستری شوم. در این یک هفته، سرگیجه به حدی بود که دیگر حتی قادر به مطالعه هم نبودم و کلمات در برابر چشمانم می رقصیدند. کلا یک سال طول کشید تا ۱۲ پرکردگی دندان هایم تعویض شدند. تازه پس از آخرین تعویض بود که به سرعت رو به بهبود رفتم. و علائم مرضی یا کاهش یافتند و یا به تمامی ناپدید شدند. اما هنوز هم، پس از گذشت شش سال، اثراتی از بیماری، گرچه بسیار ضعیف، در من باقی مانده اند. بیمار مذکور، که خود محقق و پرفسور فیزیک است، خوشبختانه پس از تشخیص و معالجه صحیح، علیرغم آن که مدت ها قادر به ادامه کار خود نبود، دوباره به کار و تحقیق بازگشته است.

پس از تشخیص بیماری آمالگام، پرکردگی دندان ها با ماده دیگری تعویض می شوند و در فاصله های زمانی معینی بیمار فراخوانده می شود و کنترل لازم صورت می گیرد. به این ترتیب هم پروسه درمانی پیگیری می شود و هم تحقیقات علمی در مورد کلیت پدیده بیماری آمالگام تکامل می یابد.

تجربه نشان داده است که برداشتن پرکردگی دندان ها در بیمارانی که به جیوه حساسیت دارند، با یک دوره عود شدید و بدتر شدن علائم بیماری همراه است. و این به دلیل افزایش ناگهانی آزاد شدن و جذب جیوه در موقع تراشیدن و تعویض پرکردگی است. هم اکنون محققان در پی یافتن روش هایی هستند که از آزاد شدن جیوه در موقع تعویض پرکردگی ها و هم چنین از جذب جیوه بکاهند. بعلاوه، تحقیقات در جهت یافتن روش ها و داروهایی که حساسیت بیمار به جیوه را کاهش می دهند نیز در جریان است.

نتایج تحقیقات

در ۸۰ درصد از بیماران آمالگام، غلظت بالای جیوه در سلول های خونی مشاهده شده است. چنین غلظتی تاکنون در سلول های خونی افراد سالم دیده نشده است. بعد از برداشتن آمالگام از دندان های بیماران، غلظت جیوه در سلول های خونی آنها به مرور کاهش می یابد و همزمان با کاهش غلظت جیوه، وضعیت جسمی و روانی آنها رو به بهبود می گذارد. این که با چه سرعتی بهبودی حاصل می شود، بستگی به سن بیماران دارد. جوان ها در عرض چند ماه سلامت خود را باز می یابند، ولی افراد میانسال و پیر گاه چند سال را در دوران نقاهت می گذرانند تا به

تحقیقات علمی چه می گویند

جیوه آمالگام مرتبا از آمالگام جدا شده و از طریق هوا وارد شش ها می شود، و پس از جذب در خون به تمامی اعضای بدن، از جمله مغز، می رود. در هیچ یک از تحقیقات علمی ثابت نشده است که چنین مقدار اندکی از جیوه، تاثیرات مخربی بر سلول های بدن داشته باشد. به نظر می رسد که بعضی از افراد به دلیل حساسیت به جیوه دچار بیماری آمالگام می شوند و مقدار جیوه آزاد شده، نقش تعیین کننده ای در ایجاد بیماری ندارد. از طرف دیگر ثابت شده است که وجود فلزات دیگر، به ویژه طلا،

مترجم: دکتر بهروز ادهم

حامیان اروپائی جانیان اسلامی در افغانستان!

سیامک شعاعی



ترجمه نوشته نروژی که در پائین این پلاکارده آمده چنین است:
خواهر مسلمان با اراده و ایمان در زیر حجاب

پوستری را که میبینید نه در تهران منتشر شده است و نه در کابل. این تصویری است که در نروژ، قلب اروپای دمکراتیک، در دفاع از توحش اسلامی و بخصوص گروههای تروریستی اسلامی افغانستان در روزنامه "اخبار افغانستان" به چاپ رسیده است. "اخبار افغانستان" ارگان کمیته دفاع از افغانستان میباشد که طی چندین سال فعالیت خویش از پشتیبانان اصلی سیاسی و اقتصادی گروههای آدمکش اسلامی در افغانستان بوده است. این کمیته در دهه ۸۰ با حمایت آشکار دولت نروژ تاسیس گردید.

امروزه با پیروزی مجاهدین اسلامی در افغانستان با حمایت CIA و غرب، و سلاخی مردم شرافتمند افغانستان توسط این گروههای آدمکش و در کفن سیاه کردن زنان افغانی، تمامی مردم جهان نیاز دارند که از واقعیات تلخی که در افغانستان توسط این جانیان اسلامی شکل میگیرد مطلع شوند. اگر دیروز دستگاههای تبلیغاتی غرب و CIA با میلیونها دلار کمکهای مادی، اخبار افغانستان را اخبار هر شب رادیو و تلویزیونهای جهان کرده بودند، امروزه تمامی این ارگانها بسیج شده اند تا توحش و قصابی این گروههای جانی اسلامی در افغانستان را بیوشانند. در یک کلمه توطنه سکوت ارکستره شده در قبال جنایات این متحدین دمکراسی اروپا و آمریکا در افغانستان برقرار است.

از جمله این ارگانها کمیته دفاع از افغانستان و روزنامه اخبار افغانستان در نروژ میباشد. باید با تمام قوا ضمن توضیح و تشریح آنچه که امروز در افغانستان میگذرد در قلب اروپای دمکراتیک نیز به افشا اینگونه گروهها پرداخت. در نروژ امروزه این حامیان جنایتکاران اسلامی در افغانستان سعی بر آن دارند تا همه چیز را در آن کشور عادی جلوه دهند. نباید گذاشت که چنین ارگانهای دست ساخته دمکراسی و CIA در چشم مردم اروپا خاک بریزند و مانع از آن شوند که مردم اروپا از واقعیات جانیان اسلامی در ایران و افغانستان و عربستان سعودی بی خبر بمانند.

دستگیری و اخراج پناهندگان افغانستانی از ایران ادامه دارد

به گفته نماینده دولت جمهوری اسلامی ایران در این کنفرانس، تعداد کل پناهندگان افغانستانی در ایران در حدود یک میلیون و هشتصد هزار تن است که تاکنون در حدود یک میلیون تن از آنان از ایران اخراج شده اند.

پیر ژامبور، نماینده کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگی در این کنفرانس، نیز اظهار داشت که سازمان ملل برای پناهندگانی که قصد بازگشت به افغانستان را داشته باشند تسهیلاتی شامل ۲۵ دلار پول، ۵۰ کیلو گرم گندم، و یک زیرانداز پلاستیکی در نظر گرفته است!

هزار پناهنده دیگر افغانستانی نیز بدون اجازه اقامت قانونی در ایران به سر می برند و اخراج از ایران شامل حال آنها هم می شود. همزمان با این تهیدات، در جلسه مشترک کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگی و نمایندگان دولت های افغانستان و ایران، تصمیم گرفته شد که تعداد پناهندگان افغانستانی که مجبور به ترک ایران هستند از ۷۰۰ هزار تن به ۳۰۰ هزار تن کاهش یابد. علت این تصمیم، ادامه جنگ داخلی افغانستان و شرایط نابسامان این کشور اعلام شده است.

علی محمد بشارتی، وزیر کشور دولت جمهوری اسلامی ایران، پنج شنبه ۹ تیر ماه اعلام کرد که در حدود ۵۴۰ هزار تن از پناهندگان افغانستانی باید ایران را ترک کنند. به گفته وی، این دسته از پناهندگان افغانستانی دارای کارت اقامت موقت هستند و مهلت تمدید این کارت ها تا روز ۱۱ تیر ماه به پایان می رسد.

وزیر کشور دولت جنایتکار جمهوری اسلامی ایران، علاوه بر تهدید به پیگرد و اخراج این دسته از شهروندان ایران، اظهار داشت که در حدود ۵۰

بیانه کنگره پنجم فدراسیون درباره پناهندگان و مهاجرین افغانستانی در ایران

فعالیت‌های شورای مهاجران ایرانی در
لوس آنجلس در سپتامبر و اکتبر ۱۹۹۴

روز ۳ سپتامبر محمود احمدی، دبیر شورای مهاجران ایرانی در لوس آنجلس، یک مصاحبه رادیویی با رادیوی "۲۴" ساخته صدای ایران، که صدایش در اکثر ایالت‌های آمریکا شنیده می‌شود، داشت. در این مصاحبه نیم ساعته محمود احمدی در مورد محدود شدن حقوق پناهندگی در دنیا، وضعیت پناهجویان ایرانی در ترکیه و اقدامات فدراسیون در حمایت از پناهجویان سخن گفت و به سوالات تلفنی شنوندگان پاسخ داد.

روز ۲۲ سپتامبر رادیو "۲۴" ساخته ایرانیان در برنامه گپ و گفتگوی پروریز سیروس نیا مصاحبه‌ای تلفنی با کیوان جاوید، دبیر شورای پناهندگان ایرانی در ترکیه، و مصاحبه‌ای حضوری با محمود احمدی داشت. در این برنامه کیوان جاوید در مورد مشکلات پناهجویان ایرانی در ترکیه، و محمود احمدی درباره تغییر نقش سازمان ملل در شرایط بعد جنگ سرد و فعالیت‌های فدراسیون صحبت کردند.

نمایش فیلم در اعماق

روز ۱۵ اکتبر ۱۹۹۴ شورای مهاجران ایرانی در لوس آنجلس فیلم "در اعماق" ساخته گوتتر والراف خبرنگار و نویسنده جسور و آزادیخواه، را به نمایش گذاشت. گوتتر والراف این فیلم مستند را از وضعیت ناگوار کار و زندگی کارگران مهاجر ایرانی در ژاپن تهیه کرده است. در ابتدای برنامه محمود احمدی در مورد فدراسیون و اهداف آن سخن گفت. سپس فیلم "در اعماق" به نمایش درآمد. در ادامه برنامه یکی از پناهجویان ایرانی در ترکیه که به تازگی به آمریکا آمده است به تفصیل در مورد وضعیت امنیتی، روحی و معیشتی پناهجویان و نقش فدراسیون در ترکیه سخن گفت که بسیار مورد توجه حضار قرار گرفت. در این برنامه ۱۵۰ نفر شرکت کرده بودند و در خاتمه آن در مورد چگونگی کمک به پناهجویان در ترکیه و فدراسیون سخن گفتند.

تظاهرات ۱۲۰ هزار نفر علیه لایحه ضد مهاجران

روز ۱۶ اکتبر یکی از بزرگترین راهپیمایی‌های تاریخ شهر لوس آنجلس در اعتراض به لایحه ۱۸۷ و دفاع از حقوق مهاجران برگزار شد. رسانه‌های گروهی تعداد شرکت کنندگان در این تظاهرات را بین ۷۰ تا ۱۲۰ هزار نفر اعلام کردند. لایحه ۱۸۷ که قرار است در تاریخ ۸ نوامبر به رای عمومی در کالیفرنیا گذاشته شود از ضدانسانی‌ترین لوایح تاریخ جامعه آمریکا است که در صورت تصویب حق تحصیل، بهداشت عمومی و خدمات اجتماعی را از اتباع غیرقانونی آمریکا سلب خواهد کرد. طبق آمارهای سازمان‌های مدافع حقوق مهاجران، این لایحه ۴۰۰ هزار کودک را از حق تحصیل محروم خواهد کرد.

تظاهرات ۱۶ اکتبر به دعوت اتحادیه‌های کارگری، اتحادیه معلمان، سازمان‌های مختلف مدافع حقوق مهاجران و کودکان، کلیساها و تعداد زیادی از سازمان‌ها و گروه‌های بشردوستانه و مترقی صورت گرفت. شورای مهاجران ایرانی هم در این تظاهرات شرکت داشت.

از سال گذشته تاکنون دهها هزار پناهنده و مهاجر افغانستانی مقیم ایران به شیوه‌ای غیرانسانی توسط جمهوری اسلامی، که از تأیید کمیساری عالی پناهندگی سازمان ملل نیز برخوردار است، از ایران اخراج شده و به جهنم جنگ داخلی در این کشور و حکومت مرتجعین اسلامی افغانستان بازگردانده شده‌اند. اکثریت قاطع پناهندگان افغانستانی در ایران، بدون آنکه از ابتدائی ترین حقوق انسانی و شهروندی برخوردار بشوند با نازلترین دستمزدها مجبور به انجام کارهای شاق برای گذران زندگی خود در ایران بوده‌اند. دولت جمهوری اسلامی ایران و ملی‌گرائی برتری طلب ایرانی در ۱۲ سال گذشته نگذاشته است حتی یک روز از زندگی این ۲/۵ میلیون انسان بدون هراس و سرکوب و توهین سپری شود.

پنجمین کنگره سالانه فدراسیون سراسری شوراهای پناهندگان و مهاجرین ایرانی، که خود برای برسمیت شناخته شدن حقوق کامل شهروندی برای پناهندگان و مهاجرینی که اکنون به دلایل مختلفی در کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی مقیم هستند مبارزه می‌کند، تلاش برای تحقق مطالبات زیر را از جمله وظایف این فدراسیون و تمام نهادها و احزاب انساندوست و آزادیخواه و کمونیست میداند.

۱- حق شهروندی کامل در ایران برای همه پناهندگان و مهاجرین افغانستانی مقیم ایران، بعنوان یکی از حقوق ابتدائی و انسانی آنها، باید برسمیت شناخته شود،
۲- سیاست غیرانسانی دولت جمهوری اسلامی بر علیه پناهندگان و مهاجرین افغانستانی در ایران شدیداً محکوم شود،

۳- دستگیری و اخراج پناهندگان و مهاجران افغان از ایران فورا و بدون قید و شرط متوقف گردد،
۴- اقدامات و سیاست‌های سازمان ملل و دولتهای دموکراتیک اروپا و آمریکا که با حمایت‌های مادی و معنوی خود مجاهدین اسلامی را به جان مردم ستم کشیده افغانستان انداخته‌اند، و اکنون در مقابل جنایات این آدمکشان توطئه سکوت کامل پیشه کرده‌اند، قویاً محکوم شود.

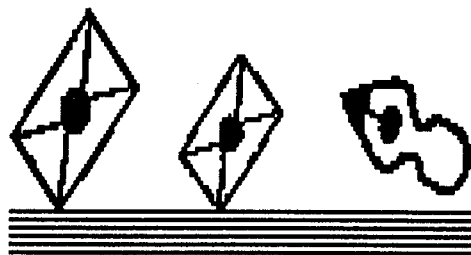
پیام پنجمین کنگره فدراسیون سراسری شوراهای پناهندگان و مهاجران ایرانی به پناهندگان و مهاجران و شخصیتها و نهادهای آزادیخواه و سوسیالیست افغانستانی

تحوالات چند سال اخیر در اوضاع سیاسی جهان و رشد گرایشات ضدانسانی ملی و مذهبی، منجر به قدرت گیری نیروهای سیاسی این گرایشات در برخی از کشورهای جهان شد. به قدرت رسیدن دار و دسته‌های مجاهدین در افغانستان از این جمله است و بازتاب خود را در هجوم به جان و آزادی انسانها، آزار سیستماتیک زنان، سرکوب آزادیخواهان و سوسیالیستها و در یک کلام حمله به تمام شئون انسانی نشان می‌دهد.
- از آنجا که پس از فروپاشی بلوک شرق، هم حمایت سیاسی و عملی دولتهای غربی و رژیمهای ضدانسانی مانند ایران و پاکستان از آدمکشان مسلمان و مجاهد افغانستان ادامه دارد،
- از آنجا که گروههای مختلف حاکم، یا شریک در قدرت، در افغانستان ماهیت تماماً ضدبشری و غارتگرانه خود را نشان داده‌اند،

- از آنجا که نابودی جسمی و روحی صدها هزار انسان بدست این جنایتکاران در افغانستان هیچگونه اعتراضی از جانب سازمان ملل و نهادهای مشابه و همچنین دولتهای مختلف را به همراه ندارد،
- از آنجا که حکومت قبلی، جنگ داخلی گذشته و جنگ فعلی بین دسته‌جات اسلامی، میلیونها افغانستانی را بدون هر گونه حمایت بین‌المللی آواره ایران و پاکستان و دیگر نقاط جهان کرده است،
- در چند سال گذشته فدراسیون سراسری شوراهای پناهندگان و مهاجران ایرانی پشتیبانی از حقوق مسلم پناهندگان و مهاجران افغانستانی در ایران و برخی دیگر از نقاط جهان را وظیفه خود دانسته و انجام این وظیفه را با افشاگری صریح از ملی‌گرائی عظمت‌طلبانه ایرانی، جنایات احزاب آدمکش اسلامی افغانستان، و مضمونی انترناسیونالیستی و برابری‌طلبانه پیش برده است.

- ادامه جنگ داخلی در افغانستان، ادامه توحش و آزادی‌کشی دولت و دستجات اسلامی در آن کشور و دستگیری و اخراج وسیع پناهندگان و مهاجران افغان از ایران ادامه این فعالیتها در سطحی بسیار گسترده‌تر از گذشته را الزامی می‌کند.

- کنگره پنجم فدراسیون ضمن محکوم کردن جنگ داخلی در افغانستان، خواست آتش‌بس فوری و قطع بی‌درنگ آزار و اخراج شهروندان افغانستانی ایران، برای پیشبرد فعالیت‌های مربوط به افغانستان و پناهندگان و مهاجران افغانستانی بر ضرورت همکاری از نزدیک و صمیمانه این فدراسیون با همه افراد و نهادها و احزاب انساندوست، آزادیخواه و کمونیست افغان تأکید دارد. ما از همه دوستان افغانستانی که عضو فدراسیون هستند میخواهیم که توجه جدی به این امر مبذول کرده و در پیشبرد این وجه از فعالیت‌های فدراسیون دخالت و ادای سهم بیشتری بکنند. بعلاوه این فدراسیون دست همکاری صمیمانه خود را بطرف دیگر نهادها و دوستان آزادیخواه و سوسیالیست افغانستانی دراز کرده و امیدوار است که به اتفاق هم بتوانیم کارزاری محکم در دفاع از ۷ میلیون پناهنده و مهاجر افغانستانی پراکنده در ایران و پاکستان و بقیه نقاط جهان و همچنین افشاگری از حکومت‌های آدمکش ایران و افغانستان براه بیاوریم.



در تقابل با این فرهنگهای ایرانی، کردی، نورژی و سومالیایی هنرمندان سوسیالیست باید تکانی بخورند!

هنری، ادبی، سینمایی و از این قبیل بیشتر تناقض میشود و منظوم از فقیر بودنمان از این لحاظ است. با توجه به و فرض گرفتن تمام فعالیتهای فدراسیون در زمینه پناهندگان و مشکلات اقتصادی و غیره آیا امکان پذیر نیست که در این زمینه هم حتی الامکان فدراسیون برنامههایی داشته باشد؟

مثال بزنم: مثلا شوان خواننده کرد که همه جا کنسرت میگذارد. چندی پیش شوان به یکی از شهرهای شمال نوروز آمده بود و برای اجرای آوازهای کردی و به نمایش درآوردن یکی از جنبه های فرهنگی. می بینی تمام حرفهایش و آوازش به زبان موسیقی و آهنگ آراسته شده است و البته صدای خیلی خوشی هم دارد. ولی از اول تا آخر کاملا سیاسی و ناسیونالیستی است. یا خیلی از خوانندگان دیگر که آوازا و حرفهای در حقیقت کاملا سیاسی و ناسیونالیستی را خیلی روشن و صریح با زبان موسیقی و آواز به خورد مردم می دهند.

راستش نمیدانم، آیا کسی پیدا نمیشود که او هم مثل اینها جوله کند و حرفهای سیاسی دیگری را با موسیقی به مردم بگوید؟ حرفهای انسانی، آزادمنشانه، برابری طلبانه و سوسیالیستی! یا فعالیتهای دیگر در زمینه سینما و تئاتر و غیره.

بخشی از نامه بهروز ناصری به دبیرخانه فدراسیون بناسبت کنگره پنجم

همه اش فرهنگ ایرانی، فرهنگ سومالیایی، فرهنگ نورژی و غیره است که حالا فرهنگ کردی هم به آنها اضافه شده است. من می پذیرم که بالاخره انسانهایی که در سرزمینهای مختلف زندگی میکنند، شیوه زندگی شان، آداب و رسومشان یکجور نیست. ولی راستش اکثریت این فعالیتهای را، که بیشتر اشاره کردم، چیزی جز کلاه گذاشتن سر مردم البته به شیوه سازمان یافته نمیدانم.

این فعالیتهای فرهنگی - ملی هدفشان اینست که مردم را از فکر به مشکلات واقعی شان منحرف کنند و جلوی پرداختن آگاهانه آنها به اختلافات و مبارزه طبقاتی و بین المللی را بگیرند.

خلاصه برای تعرض به فرهنگ ناسیونالیستی، از هر ملتی که باشد، و در تقابل با این پسوندهای ایرانی، کردی، نورژی و سومالیایی پیشنهاد می کنم ما هم پرچم فرهنگ انسانی را بلند کنیم و از ارزشها و دستاوردهای مدرن بشری و فرهنگ پیشرو بین المللی دفاع کنیم.

من نمیدانم که روال بحثهای کنگره چطور پیش میرود یا اینکه چه نوع بحثهای مختلفی انجام می گیرد، ولی شما میتوانید در این رابطه وکالت مرا بعهد بگیرید که بهر حال اینهم بحثی است که شده. درست است، تمام کارهایی که میکنیم، فعالیتهایمان، دفاعمان از برابری انسانها، حمله به سرمایه داری و... اینها فرهنگ ماست که خیلی والاست.

ولی فعالیت فرهنگی همیشه با فعالیتهای

تمام هفت نکته ای که بعنوان دستور جلسه کنگره در شماره ۴۹ همبستگی آمده خیلی مهم هستند، مخصوصا مباحث مربوط به فرهنگ و نظرات گوناگونی که در این باره وجود دارد. نظریه تقابل فرهنگها امروزه مبنای خیلی از فعالیتهای "فرهنگی" و طرحها را تشکیل میدهد. بویژه در نوروز اهمیت عجیبی به فعالیت فرهنگهای گوناگون داده میشود.

در تمام این سناریوها هم، این فرهنگ نورژی است که بالاست. جالب است هر گروهی که فعالیت از خود نشان میدهد، که البته بیشتر به مناسبت روزهای ملی یا جشنهای ملی است، فرهنگ خود را بزرگ می شمارد و دیگران هیچ... و باز جالبتر اینکه هر گروهی که متعلق به ملتی باشد مثلا ایران، سریلانکا و غیره آنقدر بر فرهنگ هزار ساله خم میشوند که انگار مردم سرزمینهای دیگر، اگر چیزی آموخته اند از آنها گرفته اند.

بهر حال بنظرم این نظریه تقابل فرهنگهای مختلف، و مردم دنیا را از این زاویه دیدن، تأثیرات مخرب خود را گذاشته است. واقعا بغیر از ما، کسی از فرهنگ انسانی (اینکه مرز و ملیت نمی شناسد)، فرهنگ متممن و پیشرو حرف نمیزند. و

مسئله چند میلیون افغان را در ایران بزرگ نکنید! افراط گرایی اشتباه است، نه ملی گرایی

سردبیر محترم، آقای بشارت،

نوشته ای از آقای بکناش، تحت عنوان "ملی گرایی از اعتدال تا انفجار"، در شماره ۵۱ آن ماهنامه چاپ شده است که در آن نویسنده به نکات زیر توجه نکرده است:

۱- آقای بکناش فرق میکرب و ویروس را نمی داند. در جانی ملی گرایی را ویروس می خواند، و در جانی دیگر از آن به عنوان میکرب یاد می کند. من نمی دانم چرا آقای بکناش این دو واژه گوناگون را از هم جدا نکرده اند، و آن ها را به جای هم به کار می برند. از همه این ها گذشته، میکروب ها بد و خوب دارند. بدون میکرب های روده بزرگ، انسان هرگز قادر به زندگی نبود.

۲- آقای بکناش باید به این نکته توجه می کردند که افراط، چه در ملی گرایی و چه در جهان وطن گرایی و چه در هر کار دیگری، اشتباه است.

می داند؟ کشتارهای دوران استالین و مائو را باید به گردن چه کسی انداخت؟

آدم کش، آدم کش است. برای آدم کشی نباید فلسفه تراشید. خود خمینی جهان وطن و اعوان و انصارش برای جهانی کردن اسلام ناب محمدی، که باز هم نوعی از جهان وطنی است، میلیونها نفر را کشته و می کشند.

۵- مساله افغان ها در ایران را آقای بکناش بزرگ می کنند و از کاه، کوه می سازند. نداشتن یک سیاست پناهنده پذیری درست، جو اختناق در ایران، و جنگ هشت ساله با عراق، از جمله عواملی هستند که سبب شده اند در جهت دفاع از حقوق پناهندگان افغان، کوتاهی و لغزش پیش بیاید. وضع عده کثیری از ایرانیان هم بهتر از وضع مهاجرین افغان نیست.

۶- آن فیلم سازی هم که آقای بکناش به او اشاره کرده اند، در قید حیات است و مطمئنا پاسخ او را هم باید شنید. وگرنه یک طرفه به قاضی رفتن دردی را دوا نمی کند.

با سپاس فراوان و با آرزوی پیروزی فریاد ایرانی - مالوم

کلا افراط به هر اندیشه ای آسیب می رساند. زیاد خوردن مثلا "قرمه سبزی" اگر تولید بیماری کند تقصیر قرمه سبزی نیست، بلکه تقصیر را باید گردن افراط گرایی انداخت.

۳- تخت جمشید، و دیگر آثار باستانی ایران، متعلق به فرد یا گروه خاصی نیستند، بلکه متعلق به همه مردم ایران می باشند. این درست نیست که صحبت های یک نفر و یا یک گروه از یک پدیده ای را دلیل تباهی آن پدیده دانست.

خمینی در اوائل انقلاب شعارهای کمونیستی از قبیل: "تفت و آب و برق رایگان برای همه" را سر داد، ولی من هرگز آن شعارها را دلیل بر کمونیست و یا ملی گرا بودن خمینی ندانستم و نخواهم دانست.

۴- مساله جنگ های کشورهای آسیای میانه را نباید تنها به گردن ملی گرایی انداخت. آیا آقای بکناش علت کشتارهای افغانیان به دست روس ها و کشتارهایی از این قبیل را هم "ملی گرایی"

پاسخ همبستگی

آقای فرشید ایرانی،

سردبیر همبستگی نامه شما را در اختیار من گذاشت و در رابطه با مطالبی که نوشته اید نکته به نکته جواب مختصر به قرار زیر است:

۱- من و شما هر دو میدانیم که ملی گرایی نه ویروس دارد و نه میکرب. کاربرد این کلمات در باره آن استعاری است. آنجا که من ملی گرایی را با بیماری ایدز مقایسه کرده ام کلمه ویروس را که عامل این بیماری است به کار برده ام. از میکرب هم به این علت استفاده کرده ام که این کلمه به طور کلی یک بار مفهومی منفی دارد. از توضیحات پزشکی شما متشکرم اما حتی با در نظر گرفتن آنها هم باز نمیتوان میکرب یا ویروس ناسیونالیسم را در کنار میکربهای "خوب" رده ها و غیره گذاشت.

۲- اندیشه ربطی به قرمه سبزی ندارد. آیا به نظر شما افراط در آزادیخواهی، در خواست برابری تمام انسانها و در دفاع از محرومین و غیره بد است؟ آیا شما مخالف هستید که ما مداوماً و به افراط از حقوق زنان و مردم زحمتکش و کودکان و پناهندگان و غیره دفاع کنیم؟

۳- این بحث که تخت جمشید و امثالهم مال همه ایرانیان است قبلاً در همبستگی جواب گرفته اما من فقط نمیفهمم که چرا همه آنهايي که با سخاوتمندی تمام ایران را متعلق به همه ایرانیان اعلام میکنند به کارخانه ها و وسائل تولید که میرسند قباله مالکیتشان را به اسم سرمایه داران ثبت میکنند. کاش با همان حدت و شدتی که از حق همه مردم ایران نسبت به آثار باستانی دفاع میکنند از حق آنها نسبت به تملک کارخانه ها و تمام وسائل و محصول تولید هم دفاع کنید. من صحبت های رفسنجانی را دلیل بر تباهی ملی گرایی ندانسته ام بلکه آنرا بعنوان شاهدی بر عروج این ایدئولوژی به عنوان پرچم رسمی رژیم

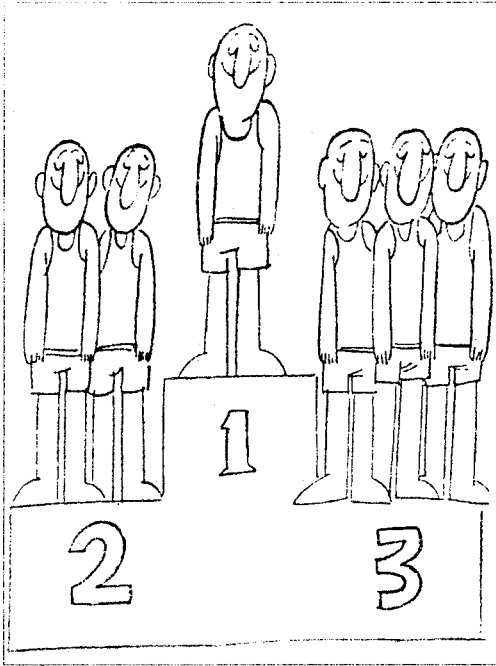
و استقبال روشنفکران و هنرمندان از این تغییر ذکر کرده ام. میتوانید مقاله را مجدداً مرور کنید. ملی گرایی به اندازه کافی آنقدر ضدانسانی و تباه هست که دیگر نیازی به رفسنجانی نداشته باشد.

۴- افغانها به دست روسها کشته شدند چون **منافع ملی** روسیه شوروی در رقابتش با آمریکا ایجاب میکرد که کنترل سیاسی و نظامی برافغانستان داشته باشد. استالین و مائو مخالفین خود را کشتند چون نخواستند تحت عنوان **منافع ملی** مطالبات خود را فراموش کنند.

آدمکش، "آدمکش نیست"، میشود. این در مورد آدم کشی های فردی هم صادق است تا چه رسد به آدمکشی های سیاسی. اگر شما هم مثل من سعی میکنید سطحی نباشید و تلاش میکنید دلایل واقعی آدمکشی های سیاسی را پیدا کنید حتماً متوجه میشوید که پشت سر این اعمال فلسفه ای وجود دارد و فلسفه پشت اکثر جنایات سیاسی یکی دو قرن اخیر چه بشکل داخلی و چه در قالب بین المللی و جهانی ناسیونالیسم و منافع ملی بوده است. مقایسه انترناسیونالیسم خمینیستی با انترناسیونالیسم کمونیستی، با عرض معذرت، مثل مقایسه اندیشه و قرمه سبزی و کاملاً بی ربط است. خمینی انسانها را مطیع خدا و بنده نمایندگان زمینی او میخواست. کمونیستها بشر را رها از هرگونه عبودیت آسمانی و زمینی میخواهند.

۵- این از مواردی است که افراط کار را خراب کرده است. چه لزومی دارد اینهمه زمین و زمان بهم بافته شود تا آبروی ایرانی محفوظ بماند؟ اگر به عوامل ذکر شده صد هزار عامل دیگر هم اضافه کنید بی اعتنائی و حتی خصومت بخش مهمی از اپوزیسیون و روشنفکران ایرانی در قبال فاجعه زندگی افغانیان در ایران قابل توجیه نمیشود. همه دولتها و احزاب راسیستی هم برای سیاستهای راسیستی شان دلیل می تراشند. آیا بنظر شما این سیاستها موجه هستند؟

اجازه بدهید در مقابل سازمان ملل و دولت



جمهوری اسلامی و احزاب و نشریات ایرانی که "گاه" وضعیت افغانها در ایران را "گوه" نمیکنند مجله همبستگی آنرا "گوه" کند. هر چند من نماندم با چه ترازویی شما زندگی ۲/۵ میلیون نفر را وزن کرده اید و آنرا معادل گاه ارزیابی کرده اید. این برای شما هم نباید بد باشد؛ اولاً از افراط در عدم دفاع از افغانها کاسته میشود، ثانیاً اگر یک افغان به نام ارزشهای پیشرو و انسانی شما را مورد بازخواست قرار داد که چرا ایرانیانی که اینهمه به حقوق خودشان علاقمندند و از راسیستهای سوئد و فرانسوی و غیره بد میگویند حرفی در دفاع از پناهندگان افغان ساکن ایران نمیزنند، میتوانید سینه سپر کنید و بگویید "همبستگی" این کار را میکند.

۶- اگر واقعا به قضاوت حرفهای آن فیلم ساز علاقمندید میتوانید به منبع ذکر شده ماهنامه فیلم شماره ۱۵۸ مراجعه کنید و خودتان ارزیابی نمایید.

نادر بگتاش

ملیت عین مذهب خرافه است!

خود را برترین ها می دانند و مسلسل بدست به کشتار متولدين ديگر نقاط زمین برای حفظ منافع دشمنانشان مشغولند.

تا آنجا که به پناهندگان و مهاجران برمی گردد خرافه "ملیت" مزاحم اصلی رشد و تکامل آنها می باشد، عامل ایزوله شدنشان در جامعه جدید است. کم نیستند مهاجرانی که قبل از مهاجرتشان یا به مسئله ملیت فکر نکرده و یا حتی تفکری علیه آن داشته اند. اما پس از مهاجرت و پناه بردن به کشور جدید، و بعد از ملتی که در مقابل ملی گرایی ظاهراً پرقدرت و منسجم کشور میزبان قرار می گیرند، نمی خواهند یا نمی توانند مانند هزاران انسان دیگر آن جامعه دنبال پاسخی انسانی

... اما امروز بعد از هزاران سال آدمهائی هستند که در نتیجه استیصال علیه منافع خود و به نفع طبق حاکم از شکل و نوع دیگر "بت ها" سخن می گویند و می نویسند. امروزه "خاک پرستی"، "مرزپرستی" و "ملت پرستی" را به بت انسانهای در تنگنا افتاده قرن تکنیک و کامپیوتر تبدیل کرده اند.

امروز ظاهراً عصر عصر ناسیونالیسم است. تحت تاثیر بلندگوهای رسانه ها و تمام امکانات بورژوازی در جهان، هر چند نفری که تصادفاً روی یک تکه از خاک زمین بدنيا آمده اند ادعای امتیازات و افتخارات ملی "عالیه" خود را دارند،

به یک زندگی برابر در جامعه باشند. آنها در کتابها، موزه ها، سنن و گورهای باستانی به کند و کاو "افتخارات ملی" گذشته مشغول می شوند. از مادها و هخامنشیان "افتخار ملی" جمع می کنند تا به رخ ناسیونالیسم دیگری بکشانند. انگار گاردهای جاویدان هخامنشی در مقابل وایکینگها صف آرایی کرده اند! خلاصه این چنین انسان در تنگنا افتاده مهاجر و پناهنده به پرستش بت های جدیدی می پردازد که کاملاً علیه منافع خود است. ملیت و ملی گرایی را هر روز، عین مذهب و مذهب گرایی، از نو می سازند و بازتولید می کنند تا انسانها را مصنوعاً از هم جدا کنند و آنها را به جان هم بیاندازند... بشریت جز برابری طلبی سوسیالیستی هیچ راه و ایدئولوژی برای گریز از تبعیض و بیکاری و گرسنگی و جنگ ندارد!

عبدالله شریفی

کمیته مبارزه علیه بیکاری در میان پناهندگان و مهاجران

عبدالله شریفی: برای مبارزه با بیکاری نباید صبر کرد

در اول ماه مه ۱۹۹۴ در شهر یوله سوئد ایده تشکیل کمیته مبارزه با بیکاری در میان پناهندگان و مهاجران در اطلاعیه‌ای که به این مناسبت منتشر شد مطرح گردید. در ادامه انتشار این اطلاعیه تلاش‌های زیادی برای ایجاد کمیته مبارزه علیه بیکاری در میان پناهندگان و مهاجران توسط فعالین آن بعمل آمده است. با توجه به نرخ روزافزون بیکاری در میان پناهندگان و مهاجران، پدیده‌ای که ابتدا محدود به سوئد نمی‌شود، و اهمیتی که اینگونه اقدامات برای فدراسیون و فعالین آن در شهرها و کشورهای دیگر دارد، همکاران اسد نودینیان مصاحبه‌ای با عبدالله شریفی، یکی از فعالین این کمیته، انجام داده که خلاصه آنرا در زیر می‌خوانید. عبدالله شریفی دبیر شورای پناهندگان و مهاجران ایرانی در شهر یوله است. این توجه مسئولین شورای پناهندگان و مهاجران ایرانی در یوله به مسائل کارگری بسیار ارزشمند است و امیدواریم بعنوان الگویی مبنای فعالیت‌های فعالین فدراسیون در نقاط دیگر سوئد و جهان قرار گیرد.

اسد نودینیان: ایده اولیه تشکیل این کمیته چه بود؟ چه اهدافی را در دستور کار این کمیته گذاشتید؟

عبدالله شریفی: سوئد هم مانند سایر کشورهای اروپایی درگیر بحران روزافزون اقتصادی بوده و قربانیان این بحران کارگران بطور عموم و پناهندگان بطور اخص بوده‌اند. حاصل این بحران بیکار شدن بی‌سابقه کارگران در این کشور است. بنا به آمار رسمی دولت میزان بیکاری به ۸/۵ درصد رسیده و به بنا به اظهارات صاحب نظران این میزان با نرخ بیکاری سالهای سی قرن حاضر قابل مقایسه است. آمار بیکاری در بین پناهندگان و مهاجران بطور کلی حدود ۴۰ درصد است و در این میان آمار بیکاری بین پناهندگان و مهاجران ایرانی حدود ۶۰ درصد است.

شخصا بعنوان کارگر بیکاری که سه سال دنبال کار به این در و آن در زده‌ام خوب می‌دانم که یک عامل مهم که درهای بازار کار را بر روی ما بسته است همین مسئله پناهنده بودن است. من بارها با صاحبان کار روبرو شده‌ام، مصاحبه

داشتم، مدارک لازم را ارائه دادم. حتی در یک مورد تنها کسی که برای آن کار معیین مدرک داشت من بودم و جزو اولین مراجعان هم بودم اما بلون دلیل مرا نپذیرفتند.

اخیرا در رسانه‌های گروهی دم گرفته‌اند که مشکل پناهنده و مهاجر برای کارهایی مساله زبان است. اما اگر ما تازه‌واردین سالهای اخیر را با پناهندگان و مهاجران سابق مقایسه کنیم خواهیم دید که میزان یادگیری زبان و جذب جامعه شدن و حتی اخذ مدرک تخصصی اکنون بالاتر می‌باشد در حالیکه در سالهای پیش و در شرایط رونق بازار کار آنها جذب بازار کار می‌شدند و زبان گویا مشکلی برای صاحبان کار بوجود نیآورده بود. اگر صاحبان کار بخواهند، همانطور که مثلا با استفاده از تکنیک توانستند تمام موانع کار کردن معلولین را از میان بردارند، چطور نمی‌توانند مشکل زبان را حل کنند.

مساله دیگر تخصص را مطرح می‌کنند. تحقیقات نشان می‌دهد که مشکل دانش و تجربه و مدرک مشکل پناهنده و مهاجر نیست بلکه اساسا شرایط بحران اقتصادی و تبعیض در بازار کار است که مانع است.

من ایده مبارزه با بیکاری در میان پناهندگان را در میان تشکلهای دیگر سوئدی قبلا طرح کرده بودم، اما در مجمع عمومی شورای خودمان در شهر یوله که آنرا مطرح کردم با استقبال زیادی مواجه شد. در همین مجمع عمومی یک گروه ۴ نفره را برای تدارک مقدمات لازم جهت تشکیل اولین جلسه این کمیته و طرح اهداف پیشنهادی ما برای آن تعیین نمودیم. در روز اول ماه مه این پیشنهادات بصورت کتبی و به زبانهای سوئدی و فارسی در سطح نسبتا وسیعی انتشار یافت. در بیانیه اهداف پیشنهادی پس از اشاره به شرایط موجود، که فوقا به آنها اشاره کردم، خواسته‌های زیر را بعنوان اهم اهداف این کمیته طرح کردیم:

۱- کار برای همه بلون در نظر گرفتن ملیت و جنسیت. البته این شعار تازه نبود. جریانات دیگری هم این شعار را طرح کرده بودند. اما طرح این شعار از جانب ما از طرفی همبستگی با این شعار را در کل نشان می‌داد و از طرف دیگر، بنا به موقعیت خودمان، ما پسوند بلون در نظر گرفتن ملیت و جنسیت را به آن افزودیم.

۲- خواستار کنترل دولت و اتحادیه‌های کارگری بر تبعیض در بازار کار شدیم.

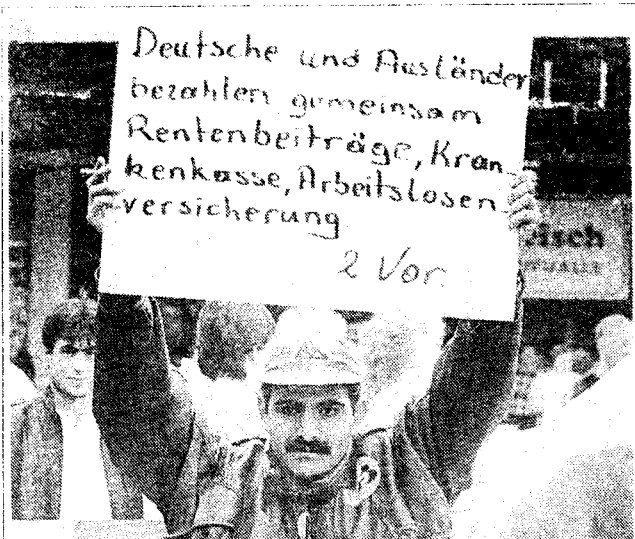
۳- ۶ ساعت کار روزانه بلون کسر دستمزد. اساسا این مطالبه، که مطالبه تعرضی ما است، از اینجا نشات می‌گرفت که با این شیوه راه حلی برای مساله بیکاری مطرح می‌کردیم. در واقع این یک تعرض دفاعی است، اما اغلب تعرض بهترین دفاع است.

۴- ما خواهان خاتمه دادن به بیکاری کشیدن از کارگران و پناهندگان تحت عنوان پراتیک (تجربه اندوزی) و غیره شدیم. این توحش در قلب اروپای "متمن" حقیقتا تماشانی است که حتی متقاضیان پناهنده هم از آن میرا نیستند و طبق آخرین قانون از ژوئن ۹۴ به بعد هر متقاضی پناهنده‌گی باید حداقل ۸ ساعت برای کارفرمایان بلون دستمزد کار کند. می‌دانید که این بیکاری در عین حال چه ضربه بزرگی به کل طبقه کارگر می‌زند، چماق بالای سر کارگر شاغل است و وسیله‌ای برای کاهش درآمد و دستمزد کل مزدبگیران. ما بجای آن خواهان استخدام رسمی این عده با دریافت تمام دستمزد و مزایای کاری طبق قانون کار شدیم.

برده انگاشتن پناهنده و مهاجر از همان روزی که در این رده‌ها قرار می‌گیریم شروع می‌شود. من شخصا بعنوان یک پناهجو در عراق با چشم خودم دیدم که هیات پناهنده‌پذیر دولت کانادا چگونه به دندانها و بازوهای ما مانند خریداران برده نگاه می‌کردند و دست می‌زدند.

اسد نودینیان: با توجه به اینکه این کمیته تاکید می‌کند که مبارزه با بیکاری در میان پناهندگان جدا از مبارزه کل کارگران سوئد نیست، چگونه است که ضرورت تشکیل چنین کمیته جداگانهای را مطرح می‌کنید؟

عبدالله شریفی: اساسا ما این نوع تشکلهای را نداشتیم. مثلا تشکلهای پناهنده‌گی در امور فرهنگی، هنری و حقوقی موجود بوده‌اند و اینها جزوی از مثلا تشکل سراسری فرهنگ و هنری سوئد هستند. اما ما پناهندگان و مهاجران کارگر تشکلی نداریم که مثلا عضو اتحادیه سراسری کارگران باشیم. ضرر فقدان چنین تشکلی نه فقط در عدم مقابله با بیکاری پناهنده و مهاجر، بلکه در عدم جذب کارگران پناهنده و مهاجر در جنبش کارگری سوئد هم خود را نشان می‌دهد. اینان نه بصورت متشکل، بلکه آحاد، آنهم آحاد کمی، در مبارزات کارگری شرکت می‌کنند در حالیکه بنظر



پروبلار کارگر ترک عضو اتحادیه متال آلمان نوشته شده: آلمانی و خارجی، یا هم حق بازنشستگی، حق خدمات درمانی و حق بیمه بیکاری را می‌پردازیم.

نه تنها در سرنوشت خود بلکه سرنوشت فرزندانمان و نسل آینده تاثیر مثبت خواهیم گذاشت.

موافقت لفظی کردند اما تا کنون هیچ اقدامی نکرده‌اند. سندیکالیست‌ها هم قول همکاری داده‌اند اما حرکت عملی از آنها ندیده‌ایم.

مشکل دیگر ما در این کار کمی تجربه و اطلاعاتمان است. تلاش در جهت رفع این کمبود خود یکی دیگر از اقدامات عاجل ما است.

اجازه بدهید خطاب به تمام کسانی که این مصاحبه را می‌خوانند و خطاب به تمام کسانی که در فقر و شرایط نابرابر در جامعه زندگی می‌کنند بگویم که به هر میزان بی‌تفاوت به سرنوشت خودمان باشیم به همان اندازه بیشتر قربانی این جامعه خواهیم شد. به درجهای که در جهت مبارزه برای رفع این نوع مشکلات فعال باشیم

من یکی از راه‌های جذب سریع در جامعه متشکل بودن می‌باشد. به هر میزان ما متشکل‌تر باشیم بهمان میزان می‌توانیم وجودمان در جامعه را محسوس کرده، در آن تاثیر بگذاریم و در شرایط کمتر نابرابری جذب آن شویم.

اسد نودینیان: برای پیشروی این حرکت شما چه برنامه‌ای را در دستور دارید؟

عبدالله شریفی: اساسی‌ترین وظیفه ما اینست که خود کمیته را تشکیل بدهیم. چون در واقع اقدامات تاکتونی در کل در جهت تدارک تشکیل آن بوده است. و نزدیکترین حلقه برای پیشروی شناساندن بیشتر این کمیته و اهداف آن به پناهندگان و مهاجران از یک طرف و جریان‌های رادیکال و کارگری سوند از طرف دیگر است. ما برای پیشرفت کار بارها به LO (کنفدراسیون سراسری کارگران و مزدبگیران در سوند) مراجعه کردیم. اوایل فکر می‌کردند برای گرفتن کمک مالی به آنها مراجعه کرده‌ایم، بعدا که متوجه قضیه شدند

دولت ملی در کردستان عراق یک رهبر کارگران را کشت!

کردستان عراق اعلام می‌کنیم. از همه واحدهای و فعالین فدراسیون می‌خواهیم که خبر این جنایت و سرکوب تظاهرات مسالمت‌آمیز کارگران کردستان عراق را به اطلاع اتحادیه‌های کارگری، احزاب کمونیست و مترقی، و نهادهای بشردوستان در سراسر جهان برسانند. دولت ملی کردستان عراق باید بفهمد که جنایتش در سراسر جهان افشا خواهد شد و با اینگونه اعمال ضدبشری نخواهد توانست مانع پیشروی مردم و کارگران شمال عراق بسوی آزادی بشود.

دبیر فدراسیون، فرهاد بشارت
اکتبر ۱۹۹۴

در روز اول سپتامبر ۱۹۹۴ فراخوانده شده بود بروی تظاهرکنندگان شلیک کرده و بکر علی را زخمی کردند. بیکر زخمی بکر علی بدست نیروهای ویژه دولت کردستان افتاد که بعد از ملتی کوتاه بیشرمانه او را جلوی چشمان مردم اعدام کردند. بدینوسیله از طرف همه اعضای فدراسیون سراسری شوراهای پناهندگان و مهاجران ایرانی کشته شدن بکر علی را به رفقا، همکاران، خانواده و تمام کارگران کردستان تسلیت گفته و شدیدترین انتزاج خود را از این جنایت هولناک دولت فدرال

با تاسف بسیار به اطلاع خوانندگان همبستگی می‌رسانیم که بکر علی، یکی از رهبران سرشناس سوسیالیست کارگران کردستان عراق توسط ماموران دولت فدرال کردستان عراق به قتل رسیده است. ماموران پلیس دولت ملی کردستان طی حملهای به تظاهرات مسالمت آمیزی که از طرف فدراسیون کارگران کردستان، متشکل از اتحادیه کارگران بیکار، اتحادیه کارگران بخش خصوصی، اتحادیه کارگران ساختمان، اتحادیه کارکنان بیمارستان، اتحادیه کارگران نساج و اتحادیه کارگران سیمان،

کارزار اعتراضی علیه ترور زنان در کردستان عراق

مینا احدی

از سازمان های زنان در اتریش و چند کشور دیگر فرستاده شد.

لیست اسامی و اطلاعات مختصری درباره تعدادی از زنان قربانی شده که در دسترس بود، به آلمانی ترجمه و به همراه نامه توضیحی برای بسیاری از سازمان های زنان ارسال شد. پنج سازمان زنان از کشورهای مختلف خواهان اطلاعات جامع تری در مورد وضعیت کنونی کردستان عراق، حکومت خودمختار آن، و شرایط زنان و سازمان های مدافع حقوق آنها شدند. مجددا نامه توضیحی به زبان انگلیسی تهیه و برایشان ارسال کردیم.

تا آن جا که تاکنون مطلع شده ایم تعداد نسبتا زیادی از سازمان های زنان به کشتار وحشیانه زنان در کردستان عراق اعتراض کرده اند. تنها پاسخ نمایندگی دولت خودمختار کردستان عراق در سوند، که فاکس های اعتراضی را دریافت کرده بود، به یکی از سازمان های زنان در اتریش این بود که سازمان های زنان و از جمله ما افراد و سازمانهای ضد کرد هستند.

برگزاری جلسات توضیحی مقدماتی پاسخی بود به این ارزیابی ما، که در عمل هم صحت آن اثبات شد.

در شهر Linz اتریش، به دنبال دو جلسه مقدماتی، نامه ای توضیحی و اطلاعاتی به زبان آلمانی تهیه و برای سازمان های زنان در این شهر ارسال شد. در وین نیز یک جلسه توضیحی با سازمان همبستگی زنان، که نشریه ای به همین نام چاپ می کند، برگزار شد که نتیجه آن ارسال یک نامه اعتراضی از طرف این سازمان به دولت خودمختار کردستان عراق و چاپ گزارشی از کشتار زنان کردستان عراق در نشریه خودشان شد. دو جلسه توضیحی دیگر با گروه کاری حقوق

زنان (حقوق بشر) و نماینده زنان سازمان عفو بین الملل اتریش برگزار کردیم که به انتشار نامه سرگشاده ای از جانب گروه کاری حقوق زنان (حقوق بشر) و ما خطاب به دولت خودمختار کردستان عراق منجر گردید. این نامه برای تعداد زیادی

در پاسخ به درخواست سازمان مستقل زنان در کردستان عراق، کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان در ایران تصمصیم به سازماندهی یک کارزار اعتراضی علیه کشتار زنان در کردستان عراق گرفت.

واحد اتریش این کمپین، با برگزاری پنج جلسه در مورد وضعیت عمومی سیاسی در کردستان عراق، دولت خودمختار و مواضع تاکتونی اش، وضع زنان در عراق و موقعیت سازمان های مدافع حقوق زنان در کردستان عراق فعالیت خود را در این رابطه آغاز کرد.

از همان ابتدا برای ما روشن بود که موضوع کردستان عراق و دولت خودمختار آن طبعاً مساله جدیدی است، و در این کارزار ما نمی توانیم، مثلا مانند مورد جمهوری اسلامی ایران، خواستار اعتراض به آپارتاید جنسی آن بشویم. بنابراین

اتریش: کنفرانس زنان کشورهای اروپائی و آمریکای شمالی

گزارش هیات نمایندگی کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان در ایران

مینا احدی

در این کنفرانس، که یکی از کنفرانس‌های مقدماتی جهت آمادگی برای کنفرانس جهانی زن در پکن در سال ۱۹۹۵ است، از ۵۴ کشور جهان هیئت‌های نمایندگی شرکت داشتند. کنفرانس نمایندگان دولتها تحت عنوان "زنان در دنیای متغییر امروز" تشکیل شد و طی آن نمایندگان دولتها گزارشی از وضعیت زنان در کشور خود و برنامه‌های آتی خویش ارائه دادند.

به موازات این کنفرانس از تاریخ ۱۳ تا ۱۷ اکتبر کنفرانس سازمانهای غیردولتی یا NGO برگزار شد که در آن ۱۷۰۰ نفر نمایندگان سازمانهای زنان و مدافع حقوق زنان شرکت داشتند. یک هیات ۶ نفره از طرف کمپین بین‌المللی دفاع از حقوق زنان در ایران نیز در این کنفرانس شرکت داشت. ۴ روز برنامه کنفرانس سازمانهای غیردولتی شامل چند سخنرانی افتتاحیه، از جمله

سابق، اتریش، آلمان، آمریکا و انگلیس شرکت داشتند نماینده‌های هم از طرف کمیساریای عالی سازمان ملل برای پناهندگان شرکت داشت.

در جریان این کنفرانس، هیات ما توانست با انجام مصاحبه‌های مطبوعاتی و شرکت فعال در مباحثات دوستانه جدیدی پیدا کرده و در طرح مسایل زنان در کشورهای تحت حکومت اسلامی و آپارتاید جنسی رسمی در ایران شرکت کند و تاثیر بگذارد.

در پایان ما با تشکیل یک میزگرد، با شرکت دوستان شرکت کننده در کنفرانس، به بررسی و ارزیابی جوانب مثبت و منفی کنفرانس سازمانهای غیردولتی پرداختیم. در این میزگرد بحثهای با ارزشی در افشا و روشنگری از نقش رهبری NGO در جریان این نوع کنفرانسها داشتیم که در شماره آینده همبستگی بخش‌هایی از این میزگرد را چاپ خواهیم کرد. ❖

سخنرانی وزیر زنان اتریش، برگزاری حدود ۱۳ گروه کاری تحت عناوین حقوق زنان و حقوق بشر، زنان و سیاست، زنان و محیط زیست، زنان پناهنده و مهاجر، پناهندگی و انتگراسیون، خشونت علیه زنان و غیره، و بالاخره یک جلسه اختتامیه چند ساعته بود.

در گروههای کاری که بیشترین وقت کنفرانس سازمانهای غیردولتی را به خود اختصاص داد، نمایندگان سازمانها و محافل متعدد مبارزه برای حقوق زنان در مورد تهمای مورد نظر به بحث و بررسی و ارائه نظر پرداختند.

هیات نمایندگی کمپین بین‌المللی دفاع از حقوق زنان در ایران در گروههای کاری پناهندگی و انتگراسیون با ارائه تصویری از وضع کار و زندگی زنان در کشورهای اسلامی، از جمله ایران، اساسا تاکید خود را بر ضرورت پذیرش حق پناهندگی زنان از این کشورها گذاشت. در این جلسه که نمایندگانی از کانادا، فرانسه، یونان، یوگسلاوی

هماهنگ کننده جدید کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان در ایران

هماهنگ کننده جدید کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان در ایران از تاریخ اول اکتبر سال جاری مینا احدی، هماهنگ کننده کمیته اتریش این کمپین، خواهد بود. انتخاب مینا احدی، بعنوان هماهنگ کننده سراسری کمپین، توسط مسئولین و اعضای شعبات این کمپین در کشورهای دیگر تأیید شده است.

انتخاب یک هماهنگ کننده سراسری جدید که انجام وظایفی که من بعهدہ داشتم را ادامه دهد، بدنال پیشنهادی بود که از جانب من، بخاطر مشغله‌های متعدد، ارائه شد و مورد موافقت سایر اعضای کمپین نیز قرار گرفت. طبعاً من بعنوان عضو کمپین و یکی از پایه گذاران آن به فعالیت خود در این کمپین ادامه خواهم داد.

برای ارتباط با کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان در ایران، میتوانید با مینا احدی در اتریش توسط آدرسی که در همین شماره همبستگی درج شده است تماس بگیرید. با آرزوی موفقیت برای تمامی فعالین، اعضا و دوستان کمپین

هماهنگ کننده سابق کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان در ایران شریا شهابی، اول اکتبر ۹۴

کمیته نروژ کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان در ایران تشکیل شد

کمیته نروژ کمپین دفاع از حقوق زنان در ایران، به همت تعدادی از زنان و مردان مدافع برابری حقوق زنان در نروژ تشکیل شد.

این کمیته در مجمع مورس خود تصمیم گرفت که در راستای اهداف کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان در ایران فعالیت کند. هیرو احمدی نیا در این اجلاس به عنوان هماهنگ کننده کمیته انتخاب گردید.

ما ایجاد این کمیته را به اعضای آن صمیمانه تبریک می گوئیم و آرزوی موفقیت شان را داریم. آدرس کمیته نروژ را در لیست آدرس کمیته ها و نهادهای کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان در ایران خواهید خواند.

مسئول جدید نشریه سوئدی "زنان در ایران"

"زنان در ایران" خبرنامه ای است که به زبان سوئدی توسط کمیته سوئد کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان در ایران منتشر می شود. همکارمان عباس گویا مسئولیت انتشار شماره های قبلی نشریه را بعهدہ داشت و بعلت نقل مکان از سوئد منبعده سوسن بهار عهده دار انتشار این خبرنامه خواهد بود. ضمن قدردانی از زحمات عباس گویا از همه علاقمندان دعوت می کنیم که برای تماس با تهیه این خبرنامه با سوسن بهار، هماهنگ کننده کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان در ایران در سوئد تماس بگیرند.

آدرس تماس کمیته ها و نهادهای کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان در ایران

هماهنگ کننده سراسری: مینا احدی
A.M.
POSTFACH 27
1233 WIEN
AUSTRIA

کانادا: هماهنگ کننده، آسیه سپهری
ACRWI
P.O. BOX 193, STN. Q
TORONTO, ONT, M4T 2M1

دانمارک: هماهنگ کننده، ناهید ریاضی
DEN INTERNATIONALE
KAMPAGNE FOR DEN
IRANSKE KVINDERS
RETTIGHEDER - DANMARK
TIDSSKRIFTS-CENTRET
GRIFFEN FELDSDGADE 35
2200 KØBENHAVN. N
TEL: 031/35 96 10

آلمان: هماهنگ کننده، آدر سینا

POSTFACH 102515
50465 KÖLN
TEL: 0221/83 02 136

سوئد: هماهنگ کننده، سوسن بهار
KFKI
BOX 3162
145 05 NORSBORG
TEL: 08/33 39 16

(روزهای سه شنبه از ساعت ۱ تا ۷ بعدازظهر)

نروژ: هماهنگ کننده، هیرو احمدی نیا
H. AHMADIAN
BOX 257
6151 ØRSTA

پاسخ سفارت جمهوری اسلامی به قطعنامه محکومیت آن باز هم حماقت، باز هم مسخرگی!

ثریا شهابی



اشتباه نکنید، اینها در مراسم عزاداری شرکت نکرده‌اند. دارند بسکتبال بازی می‌کنند!

کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان در ایران طی سال گذشته قطعنامه ای را در محکومیت زن آزاری سیستماتیک رژیم جمهوری اسلامی به تأیید و امضای عده زیادی از آزادیخواهان و مبارزان رهائی زن رسانده و به نهادهای ذیربط بین المللی ارسال کرده است. سفارت دولت جمهوری اسلامی در کپنهاگ، پایتخت دانمارک، ضمن ارسال یک نامه به عده ای از امضا کنندگان این قطعنامه تلاش کرده است از خود دفاع کند.

ظاهرا معترضین بین المللی به حاکمیت یک رژیم آپارتاید جنسی در ایران، و فعالین این کمپین، مشکل شان این است که باندازه کافی کتاب آمار نخوانده اند تا بفهمند که وضع زنان در ایران محشر است. برای خنده نمونه ای را برایتان بازگو می‌کنیم. در یکی از صفحات نامه ارسالی سفارت، جلولی در مورد افزایش شرکت زنان در ورزش وجود دارد. اعداد و ارقام جلول سیر صعودی شرکت زنان در ورزش را نشان میدهد.

جمهوری اسلامی شاید بتواند معدودی از شاگردان تنیل کلاس اول آمار را با نشان دادن چنین جدولهایی اندکی گمراه کند. اما مسئله و مشکل ما و اکثر زنان ایرانی، نه افزایش آمار زنانی است که مجبورند برای لذت بردن از اسکی سواری چادر به سر کنند، و نه افزایش زنان تحت ستمی که زیر خفت و عرق ریزان با چارقد و مانتو مشعل مسابقات ورزشی را حمل میکنند! ما خواستار از بین رفتن کامل این زن آزاری کثیف اسلامی، بهره مندی زنان ایران از برابری کامل و، در این مورد، کسب حق و امکانات شرکت، بدون حجاب (!) و بی قید و شرط، در همه فعالیتهای ورزشی مطابق با پیشرفته ترین نمونه های موجود در جهان هستیم.

بنام خدا!

سفارت جمهوری اسلامی ایران در کپنهاگ یک نسخه از یک نامه اعتراضی که ۱۲۴ امضا دارد را همراه یک قطعنامه دریافت کرد. ما، در سفارت، متوجه شدیم که در قطعنامه نکاتی وجود دارد که بر واقعیات منطبق نیستند. بمنظور تصحیح استنباط شما، به ضمیمه این نامه صفحاتی از یک کتاب بنام "زنان و توسعه" را برایتان ارسال می‌کنیم. علاوه براین در آینده متن کامل کتاب را برایتان ارسال خواهیم کرد. سفارت جمهوری اسلامی ایران، کپنهاگ
رضاء، ۶ سپتامبر ۱۹۹۴

برای کسانی که خیر ممنوع کردن تماشای مسابقات ورزشی برای زنان را در ایران شنیده اند، برای کسانی که فقدان حتی یک زن ورزشکار در تیم المپیک ایران در بارسلون به تعجبشان انداخته، و برای کسانی که از مخالفت دولت ایران در مورد حمل تابلوی نام این کشور توسط یک ورزشکار زن، همانند سایر کشورها، در همان المپیک بوی تعفن زن آزاری سیستماتیک اسلامی را استشاق کرده اند، این آمار و نامه سفارت ایران هم مایه انزجار و هم مایه طنز بیشتر در مورد دولت جمهوری اسلامی ایران است. ترجمه نامه سفارت را در زیر می خوانید.

نشریه کمیته همبستگی کارگران ایران و ترکیه

شماره سوم "دایانشما" (همبستگی) به زبان ترکی منتشر شد. مطالب این شماره عبارتند از: بی حقوقی کارگران در جمهوری اسلامی ایران، اعمال پلیس و حکومت ترکیه علیه کارگران مهاجر ایرانی، منیر جیلان دبیر کل سندیکای کارگران نفت ترکیه را آزاد کنید، سفر سلیمان دمیرل به ایران، یک تلاش ننگ‌آور (در افشای دبیرکل سندیکای ترک - مثال که خواستار ۳ روز کار مجانی از طرف کارگران شده است)، کارگران و بیکارسازها در ترکیه (بیانیه کمیته ترکیه حزب کمونیست کارگری ایران)، اخبار کارگری و مطالب کوتاه. سردبیر "دایانشما" رضا شهرستانی است و برای تهیه این نشریه و تماس با کمیته همبستگی کارگران ایران و ترکیه به آدرس زیر نامه بنویسید.

Dayanisma
Box 58
148 00 Osmo, SWEDEN

انتشار شماره ۴ نشریه فدراسیون در نروژ

SOLIDARITET (همبستگی) نشریه واحد فدراسیون در نروژ است. سولیدارته به زبان نروژی منتشر می‌شود و شماره چهارم آن حاوی مطالب زیر است:
نامه به اتحادیه‌های کارگری در مورد وضعیت کارگران در ایران، زنان در جهنم جمهوری اسلامی ایران، دو شعر از کارین بویه، قطعنامه کنگره چهارم فدراسیون درباره نژادپرستی، توحش اسلامی (درباره کنفرانس کنترل جمعیت در قاهره و اظهارات گرو هارلم نخست وزیر نروژ در این کنفرانس)، آپارتاید جنسی در ایران، "آری" یا "نه" به اروپای واحد، منشور حقوق پناهندگان، در مورد کار سیاه.

برای تهیه این نشریه با آدرس زیر تماس بگیرید
IFR
Box 1266
5001 Bergen, NORWAY

یک پناهجوی ایرانی دیگر در رمادیه عراق درگذشت

با کمال تأسف به اطلاع خوانندگان همبستگی می‌رسانیم که یکی از پناهجویان ایرانی بنام سهراب روانی در تاریخ ۲۲ سپتامبر بر اثر حمله قلبی درگذشت. او پس از سالها انتظار برای انتقال به کشور ثالث و دیدن بی تفاوتی سازمان ملل در کمال استیصال مجبور شده بود همسر و فرزندانش را به ایران بازگرداند. تحمل سالها انتظار، ناامیدی، زندگی سخت و بالاخره فرستادن عزیزان به جهنم جمهوری اسلامی حدی دارد. این فشارها بی‌شک در حمله قلبی سهراب روانی تاثیر داشتند. تحمل او در نیمه شب ۲۲ سپتامبر ۱۹۹۴ برای همیشه تمام شد. درگذشت سهراب روانی را به همسر و فرزندان او تسلیت می‌گوئیم.
از طرف اعضای کمیته همبستگی پناهندگان در کمپ الطاش شهر رمادیه، حینر رضائی

داستان رومئو و ژولیت

هاهاها، ولی من تو رو نمی خوام. تو دست و پا چلفتی تر از اونیه که آدم بخواد تو رو داشته باشه.

شکم چهار پهلو با حالتی ناراحت گفت: ساکت! و خانواده ژولیت تصمیم گرفتند که ژولیت با یکی دیگه که او دوستش نداشت ازدواج بکنه. اینکار خیلی سریع و گش وینت قبل از بازگشت رومئو بخونه باید انجام میگرفت...

گش وینت یعنی چه؟
- یک لغت آلمانی به به معنی سریع، تند، عاجل.

آلمانی؟

- آره آلمان به کشوره. آدمای زمین رو به کشورهای مختلف تقسیم کردن.

چرا؟

- بخاطر اینکه تو چیزی برای پرسیدن داشته باشی! ولی ژولیت از اینکه مجبور بود با کس دیگه‌ای بجز رومئو ازدواج بکنه، خیلی پکر بود. به این ترتیب اون به سراغ یه راهب صومعه نشین رفت و معجونیه ازش گرفت که قرار بود کاری کنه که ژولیت مرده بنظر برسه...

منظورت از مرده چیه؟

- میدونی جادوگرگنده کوچولو، آدمای اکثرا اینور و اونور میرن و صحبت میکنند و با دستاشون ادا و اطوار مختلف در میارن. اونا یه دفعه دراز میکنند و کاملاً ساکت و بی حرکت میشن و بعد سرد میشن و مثل یه ترکه چوب خشکشون میزنه.

چرا؟

- اینطوریه. چرا ناره. اونا یه دفعه تموم میکنند. ببین. من حالا دراز میکشم. خشک و ثابت مثل یه تکه چوب راست. آیا حالا من مرده‌ام؟
- نه، جادوگر گنده تو زنده‌ای و دل و دماغت چاق.

مثل یک ترکه چوب! ها ها ها!

ژولیت فکر کرد اگر مردم فکر کنن که من مرده‌ام نمی تونن منو مجبور کنن با اون مردی که دوستش ندارم ازدواج کنم. بعد رومئو میاد و منو با خودش میبره و بعد ما با هم به یه جای خیلی دور سفر کرده و اونجا ازدواج میکنیم. به این ترتیب ژولیت رفت طرف گورهای مخصوص آدمهای مهم و مشخص در کلیسا و معجونیه رو خورد و دراز کشید و کاملاً شبیه مرده ها شد...

رومئو در مورد نور مهتاب بر روی موهای ژولیت و اینکه ژولیت چقدر خوب و قشنگ صحبت میکرد، حرف زد و بالاخره خودش رو کشید بالای بالکن و ژولیت را بوسید.

بوسید؟ چطوریه؟

- آدمای لباسونو میذارن رو همدیگه و بعد یه صدا میاد مثل ماچ.

جادوگر گنده کوچولو گفت: عجب داستان با مزه‌ای. بیشتر تعریف کن.

ولی خانواده رومئو دشمن خانواده ژولیت بودند و این دو عاشق به هیچ ترتیبی نمی تونستن با هم ازدواج کنن...

گفتی صدای ماچ میده؟

- آره، آره و به همین خاطر...

- ماچ، ماچ، ماچ. هورا، هورا.

... رومئو نتونست با ژولیت ازدواج کنه و خیلی غم انگیز بود که اونا نمی تونستن همدیگه رو داشته باشن...

منظورت از همدیگه رو داشتن چیه؟

- ازدواج بکنن و به این ترتیب تا آخر عمر صاحب همدیگه بشن.

مگه اونا صاحب هم میشن؟ پس مثل جادوگرا ثروتمند میشن.

- آره میشه گفت روحا، بصورت روحانی ...

منظورت از روحانی چیه؟

- درونی، داخلی، مثل...

توی شکم؟

- نه بیشتر روحی...

گفتی روح؟ روح کجاست؟

- نمیدونم. وقتی دارم چیزی رو تعریف میکنم ساکت باش. به هر حال خانواده رومئو اونو به جای دوری فرستادن تا ژولیت رو فراموش کنه. خانواده رومئو فکر کردن اگه این دو همدیگه رو ملاقات نکنن عشقشون کم کم تموم میشه. ولی رومئو بیش از اندازه دلش برای معشوقه بی نظیر خودش تنگ شد...

شکم چهار پهلو، تو منو دوست داری؟

شکم چهار پهلو کمی احساساتی و تهییج شده گفت: آره، شاید بشه گفت بطریقه غولها...

پس منو میخواهی داشته باشی؟

- نمی دونم، شاید. قضیه در مورد ما دیوها و جادوگرها یه جور دیگه است...

دیو بزرگ "شکم چهار پهلو" به پسر خوانده‌اش "جادوگر گنده"، آخه غولها بزرگتر از اون هستن که بتونن چیز کوچولویی مثل بچه داشته باشن. رو کرد و گفت:

- حالا باید بروی و بخوابی تا فردا صبح زود وقتی گوشاتو باز کردی یه پاتیل بزرگ حلیم و یه گاو سرخ شده برات بدم.

جادوگر گنده خواهش کنان گفت:

ولی بابا اول یک قصه بگو! یک قصه در مورد آدمای...

دیو بزرگ شکم چهار پهلو با مهربانی جواب داد:

- خب، قشنگترین قصه ای رو که در مورد آدمای میدونم برات تعریف میکنم.

"یه روزی یه پسری بود که اسمش رومئو بود و اون یه دختری رو دوست داشت که اسمش ژولیت بود..."

جادوگر گنده کوچولو پرسید: دختر یعنی چی؟

- دختر مثل پسره، فقط با موهای دراز و دو تا کوفته قلقلی جلوش و غیره.

جادوگر گنده کوچولو پرسید: منظورت از "و غیره" چیه؟

شکم چهار پهلو چون خودش هم همه چیز رو نمی تونست بدونه جواب داد:

- من هم زیاد خوب نمی دونم. به هرحال اونا بی اندازه عاشق هم بودن...

عاشق بودن، این دیگه چیه؟

شکم چهار پهلو با کمی اوقات تلخی گفت: "حرفم رو هی قطع نکن". آخه اون میخواست قصه رو خیلی خوب و با احساس تعریف کنه.

- یعنی اینکه اونا اونقدر همدیگه رو دوست داشتن که نمی تونستن بدون هم زندگی کنن.

جادوگر گنده کوچولو گفت: عجیبه و مسخره! یه شب مهتابی رومئو رفت زیر بالکن خونه

ژولیت ایستاد و با کلمات زیبایی به ژولیت گفت که اون تنها کسیه که رومئو براش اهمیت قائله ...

جادوگر گنده کوچولو گفت: پس غذا چی؟ مگه رومئو غذا نمیخورد؟! نوشابه چی؟

چرا، چرا، غذا هم میخورد ولی ...

جادوگر گنده پرید وسط حرفش و گفت: ولی آدم وقتی غذا دهنشه نباید حرف بزنه.

- کله پوک، اون که اون موقع غذا نمیخورد.

فردا

کودکیست در من
بر بال ماهواره‌های آرزونیش می نشیند و
از لذت حیات
کهکشانش را
با خود به خانه می‌آورد!

کودکیست در من
کارش بازیست
بازیش کار؛
از تیک تاک ساعت نفرت دارد و
در اتاقش
گل آفتابگردان کاشته است!

کودکیست در من
با چشمانی همیشه باز؛
به لحظه‌ها اجازه عبور میدهد و
بر پیشانی زمان
آنگاه که بر وفق مراد نیست
مهر باطل میزند!

کودکیست در من
با دیدگانی کنجکاو
قلبی شورشی.
شبانه بیدار میماند و
برای پیشواز طلوع

ترانه های کوچک شادی میسراید!

سلیمان فاسمیانی

قطعه‌نامه درباره تکفیر تسلیمه نسرن (نویسنده بنگلادشی)

مردم، دانشمندان و بویژه روشنگران لاتیک و آزادیخواه بکار گرفته می‌شوند ننگ جامعه بشری در آخر قرن بیستم می‌باشند. دفاع از امنیت و آزادی بی‌قید و شرط بیان و قلم تسلیمه نسرن قلمی عملی در راه مبارزه با، و برچیدن تام و تمام، حق تکفیر مذهبی در سطح جهان است. دولت جمهوری اسلامی ایران در اجرای تکفیر مذهبی و اسلامی مخالفین خود کارنامه خونین ۱۴ ساله دارد. دفاع از امنیت تسلیمه نسرن گامی لازم در جهت آفشاگری ویژه از توحش اسلام در مجازات مخالفین خود به بهانه بلوی کفرگونی است.

کنگره پنجم فدراسیون سراسری شوراهای پناهندگان و مهاجران ایرانی خوشوقتی خود را از موفقیت تسلیمه نسرن، نویسنده آزاداندیش بنگلادشی، در خروج امن از بنگلادش ابراز می‌دارد و ادامه تلاش برای گسترش حمایت بین‌المللی و مشخصا جنبش بین‌المللی کارگری از امنیت وی در برابر تروریسم اسلامی را مورد تاکید قرار می‌دهد.

قوانین تکفیر مذهبی، که توسط گردانندگان مذاهب و ادیان مختلف، از اسلام گرفته تا کاتولیک و هندی، در کشورهای متعددی بر علیه

- مثل یه ترکه چوب خشک؟
- آره، آره مثل یه ترکه چوب. و همه فکر کردن که ژولیت مرده و بیش از اندازه ناراحت و غمگین شدن و مثل بارون بهاری شرشر اشک میریختن...
- چی گفتی؟
- مثل بارون بهاری شرشر اشک ریختن. آب از چشماشون میریخت.
- آخه چرا؟ خیلی آب خورده بودن؟
- نه بابا جون، وقتی آدما ناراحت و غمگین هستن از چشماشون آب نمک میریزه.
- مثل بارون؟
- آره مثل بارون.
- ولی بارون که نمک نداره!
- نه، نه. ولی بعد رومنو برگشت و دید که عشقش ژولیت خشک و بی حرکت دراز کشیده و مرده...
- مثل یه تکه چوب خشک، مگه نه؟
- آره درسته. و رومنو فکر میکرد که ژولیت واقعا مرده و فکر کرد که زنده موندن و بیشتر زندگی کردن دیگه ارزش نداره. به همین خاطر معجون زهر آلود و مرگ زایی رو خورد و مرد...
- مثل یه ترکه چوب دیگه؟
- آره، آره. ساکت جادوگر گنده. ولی بعد ژولیت از خواب عمیق بیدار میشه و می‌بینه که رومنو مرده. بعد اون هم یه خنجر بر میاره و با اون خودش رو میکشه. و این دو عاشق کنار هم قرار میگیرن و در مرگ بهم می‌پیوندن چرا که اونا نتونستن موقعی که زنده بودن با هم باشن.
- غول بزرگ شکم چهار پهلو، در حالیکه از داستان سانتیمانتال خودش کاملا متاثر شده بود، ساکت شد. جادوگر گنده کوچولو گفت:

- با این وصف حالا که دو تا چوب خشک شدن، حسابی بارون آب نمک میباره.
شکم چهار پهلو با تحکم گفت: خب دیگه حالا ساکت باش و بخواب.
جادوگر گنده کوچولو گفت: "فکرش رو بکن که صدای ماچ میده. عجب داستان با مزه ای تعریف میکنی" و بعد دمش رو گرفت وسط دو تا دستش و گوشاش رو بست. "یک ترکه چوب خشک با دو تا کوفته قل قلی در جلو که صدای ماچ میده. هه هه هه."
بزودی جادوگر گنده کوچولو مثل یه جادوگر بخواب رفت و خواب انسانهای وحشتناک رو دید.

مجموعه داستانهای کوتاه برای کودکان بالاتر از ۱۸ سال،
نویسنده سوئدی (تاگه دانیلسون)، مترجم سینا پدram

نامه های رسیده:

۱. کیا، از سوئد. شعر و نامه پرمحبتتان رسید.
۲. فرخ، از یوتیوری. شعرتان رسید.
۳. جواد صدیقی، از آلمان. شعرتان رسید.
۴. اش. بهراد، از ترکیه. مقاله "چرا پناهنده شدم" و داستان "دنیای بد بچه‌ها" دریافت شد. لطفا داستانهای کوتاهتر برایمان بفرستید.

تنشهای خانوادگی در این مورد، خروج قاچاق از مرز ترکیه، کمپهای پناهندگی در اروپا و مسائل مربوط به آنرا در این مجموعه داستان می‌یابد. "تبعیدیها" کتابی در هشتاد صفحه است که شامل چهار مقاله "خانواده در تبعید"، "ما، بچه ها، زبان مادری"، "هنر تبعیدی" و "تبعید از رسانه ها" می‌باشد. برای دریافت این کتابها و تماس با نویسنده به آدرس زیر نامه بنویسید.

Andishe
Box 2233
403 14 Göteborg
Sweden

"تبعیدیها" و "چیزی در همین حدود" دو کتاب جدید از عباس سماکار

عباس سماکار مبارز آزادمنش علیه رژیم سلطنت و اسلامی را اغلب مردم ایران می‌شناسند. او در دوران تبعید در خارج هم روشنفکری فعال است. اخیرا دو اثر جدید از عباس سماکار تحت عنوان "چیزی در همین حدود" و "تبعیدیها" توسط انتشارات اندیشه منتشر شده است.

"چیزی در همین حدود" مجموعه ای از شش داستان است. خواننده، تصاویری زنده با پرداختی زیبا از دوران تصمیم گیری برای گریز از ایران،

زنان و کنفرانس جمعیت در قاهره

انتظار کنترل جمعیت علمی و انسانی از حکومت مذهبی اتوبی است!

بهرام رحمانی

کنفرانس جمعیت و توسعه سازمان ملل متحد بین روزهای پنجم تا سیزدهم سپتامبر در قاهره پایتخت مصر برگزار شد. هدف کنفرانس تنظیم رشد جمعیت ۵/۶۶ میلیاردی کنونی جهان به نحوی است که حداکثر در سال ۲۰۵۰ این رقم از ۷/۸ میلیارد تجاوز نکند. بر اساس پیش بینی متخصصین امور با نرخ رشد فعلی، جمعیت جهان در سال ۲۰۵۰ به بیش از دو برابر میزان فعلی خواهد رسید.

در پیش نویس قطعنامه مواردی از قبیل قانونی شدن سقط جنین، آموزش مسائل جنسی در دوران قبل از بلوغ، آزادی همجنس گرایی، حمایت از کودکان، ضرورت تنظیم خانواده، رفع تبعیض میان دختران و پسران، نفی ازدواج اجباری، نقش زنان در ایجاد ساختار سیاسی و اجتماعی جامعه، رفع فقر با برنامه ریزی دقیق، و غیره پیشنهاد شده بود.

عکس العمل های قبل از کنفرانس

با اعلام پیش نویس قطعنامه پیشنهادی کنفرانس مخالفین و موافقین آن در مقابل همدیگر صف آرایی کردند و گرایشات مختلف عکس العملهای گوناگونی از خود نشان دادند. آنچه که جالب توجه است اتحاد نمایندگان جمهوری اسلامی ایران و واتیکان در مقطع برگزاری کنفرانس بود. روزنامه "اونیتا"، ارگان حزب دموکراتیک چپ ایتالیا که خیر آن در کیهان هوائی تاریخ ۷ سپتامبر ۱۹۹۴ نیز درج شده است، پیرامون کنفرانس قاهره نوشت "اتحادی بزرگ بین واتیکان و آیت الله ها در حال تحقق است".

محمد سعید طنطاوی رهبر مسلمانان مصر طی فتوایی بر علیه برگزار کنندگان کنفرانس اعلام کرد: "همجنس گرایی که بخواهند در این گردهمایی شرکت کنند مستحق مرگ خواهند بود". طنطاوی خطاب به مسلمانان مصر نیز گفت: "همجنس گرایان درصددند برای رسمیت بخشیدن به همجنس گرایی در این گردهمایی شرکت کنند و از این رو اعدام آنان جایزه خواهد داشت". بنا به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس خانم "خاله ضیا" نخست وزیر بنگلادش تحت فشار مذهبیون برنامه سفرش را به قاهره لغو کرد.

نمایندگان عربستان سعودی، سودان، عراق و لبنان به عنوان اعتراض به متن دستور جلسه پیشنهادی، کنفرانس را تحریم نموده و در آن شرکت نکردند. خانم تانسو چیلر نخست وزیر ترکیه دو روز قبل از کنفرانس اعلام کرد که به دلیل گرفتاری زیاد در کنفرانس شرکت نخواهد کرد. ایران و واتیکان علیرغم اعتراض به متن

پیشنهادی اعلام کردند که در کنفرانس شرکت خواهند کرد. دکتر علیرضا مرندی، بنا به نوشته کیهان هوائی تاریخ ۷ سپتامبر، گفت: "اغلب طراحان این سند غربی ها و افراد تربیت شده در غرب بوده و این افراد فساد اخلاقی و بی بند و باری جنسی را امری طبیعی پنداشته اند." اما برخی از روزنامه های ایران از جمله روزنامه جمهوری اسلامی و کیهان به شدت از تصمیم دولت مبنی بر شرکت در کنفرانس قاهره انتقاد بعمل آورده و خواستار تحریم این کنفرانس شدند. چندی قبل از برگزاری کنفرانس، دولت ایران اعلام کرد که رهبری هیئت ایرانی در این کنفرانس را حجت الاسلام علی تسخیری بعهده خواهد داشت. علی تسخیری مشاور خامنه ای میباشد.

آغاز کنفرانس

کنفرانس در فضای اظهار نظرها، تهدیدها و اختلافات شدید کار خود را آغاز کرد. در گشایش کنفرانس علیرغم اینکه اکثریت سخنرانان سعی میکردند که موضع ملایم تری اتخاذ نمایند اما مخالفین و موافقین پیش نویس ۱۱۳ صفحه ای دستور کار کنفرانس در مورد سقط جنین، روابط خارج از ازدواج، آموزش مسائل جنسی، مسائل مربوط به خانواده در مقابل هم قرار گرفتند. بویژه نمایندگان جمهوری اسلامی و واتیکان بطور متحد مخالفت خود را با مسائلی از قبیل سقط جنین و روابط خارج از ازدواج اعلام کردند. دبیر کل سازمان ملل متحد و رئیس جمهوری مصر که میزبان و رئیس کنفرانس است طی سخنرانی در گشایش کنفرانس از نمایندگان درخواست نمودند که به اعتقادات مذهبی یکدیگر احترام بگذارند و از طرح نظریات افراطی و تشنج آمیز خودداری نمایند.

نمایندگان کشورهای اروپایی اظهار نمودند که در باره موارد اختلاف یک قطعنامه مصالحه آمیز که نظریات طرفین را تامین نماید به کنفرانس پیشنهاد خواهند کرد. این پیشنهاد مورد استقبال نمایندگان دولت آمریکا نیز قرار گرفت. از جمله در این قطعنامه تصریح شده است که سقط جنین را یک حق جهانی ندانسته بلکه آنرا بصورت یک موقعیت اضطراری بنامند. در این کنفرانس، که از آن بنام یک کنفرانس تاریخی در زمینه کنترل جمعیت کره زمین نام برده میشود، از ۱۸۲ کشور بیش از ۳۵۰۰ نماینده شرکت کردند.

دستاوردهای انسانی در خطر تهدید ارتجاع مذهبی

کنفرانس قاهره واقعا تاریخی است. برای آنکه در این کنفرانس فرقه های مذهبی از اسلام تا

کاتولیک این امکان را پیدا کردند که بار دیگر قوانین ضدبشری الهی و اسلامی خود را در سطح بین المللی مطرح نمایند. همچنین این کنفرانس نشان داد که دولتهای غربی بدون در نظر گرفتن دستاوردهای انسانی، که طی سالیان دراز کارگران و آزادیخواهان جهان به آنان تحمیل کرده اند، با مرتجعین از گور برخاسته مانند رهبران جمهوری اسلامی و واتیکان به معامله و سازش دست میزنند. معنی عملی این سیاستهای امپریالیستی و ارتجاعی عملا پایمال کردن دستاوردهای تاریخی مبارزه میلیونها انسان مساوات طلب و مدافع حقوق برابری انسانها در زمینه های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی میباشد. باید با چنین سیاستی که دست جنایتکاران را باز میگذارد تا با عنوان "فرهنگ و آداب و رسوم اسلامی" و تفاوتهای "فرهنگی" میلیونها زن و کودک را قربانی قوانین ضدانسانی مذاهب مختلف کنند به مقابله برخاست و بر دستاوردهای بشری زیر پا فشارد:

— مبارزه با افکار کهنه و پوسیده مذهبی و جوامع منقرض شده پیامبران و مذاهب عصر جاهلیت و استثمار بیرحمانه سرمایه. دفاع پیگیر از برابری کامل زن و مرد در کلیه عرصه های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی.

— جدایی کامل مذهب از دولت و آموزش و پرورش.

— برسمیت شناختن زندگی مشترک هر زوج، ولو بدون ازدواج، و برخورداری آنان از کلیه حقوق اجتماعی و اقتصادی.

— دفاع از آزادی جنسی برای زن و مرد بالای ۱۶ سال و آموزش روشهای تضمین ایمنی رابطه جنسی و بطور کلی آموزش روابط جنسی در مدارس بعنوان یک درس رسمی. مادام که انسان در برابر مصائب و محرومیتهای طبقاتی اسیر است سقط جنین تا ۱۲ هفتگی و یا به دلیل وجود خطر برای سلامتی مادر و یا نقض عضو جدی جنین باید بدون قید و شرط آزاد باشد.

— دفاع از حقوق همجنس گرایان در مقابل تهاجم وحشیانه فرقه های مذهبی و راسیستها.

بدون شک مواد یاد شده بر اثر مبارزات طولانی کارگران، سوسیالیستها و آزادیخواهان به دولتهای کشورهای صنعتی تحمیل شده است و کجدار و مریز به رعایت آن موظف هستند. اما کنفرانس قاهره نشان داد که در غیاب یک صف بین المللی آزادی خواه و برابری طلب همه دستاوردهای بشری در کنفرانس ها و مجامع بین المللی زیر سوال رفته و مورد حمله مرتجعین فرقه های مذهبی و ناسیونالیستها قرار خواهد گرفت. به این وضعیت باید خاتمه داد. ❖

حسین محمدی: بعد از ۱۵ سال مبارزه احتیاج به کمک داریم!

مصاحبه با یک پناهجوی ایرانی در ترکیه

ح.م: البته راه بازگشتی به ایران ندارم و همانطور که گفتم من ۱۵ سال پیشمرگه بوده ام و چون حزب دموکرات بارها ما را برای عملیات در بعضی محلها میفرستاد و برای مأموریت چند بار در روستایی که زندگی میکردیم فرستاد و در آنجا چون محل زندگی من بود مرا شناسایی کردند و اسم من و چهار نفر دیگر را به اطلاعات ایران دادند. اگر به ایران برگردم حتما اعدام میشوم.

همبستگی: ضمن معرفی خودتان بفرمائید چند سال دارید و خانواده شما چند نفر میباشد؟

ح.م: خیر چون تحت پوشش نمیباشیم از هیچ مزایایی برخوردار نیستیم. بارها بچه هایم مریض شده اند، اما خوشبختانه بچه های شورای پناهندگان بداد ما رسیده اند و با اسم پناهندگان دیگری به بیمارستان مراجعه کرده ایم.

همبستگی: آیا در این مورد که پرونده شما آبی شده و خواسته اند که به عراق برگردید، از هیچ سازمان بشردوستانه تقاضای کمک نکرده اید؟

ح.م: خیر تاکنون به هیچ سازمانی مراجعه نکرده

ح.م: به چند دلیل من به ترکیه آمدم. خودم و همسرم بدت ۱۵ سال پیشمرگ بودن دیگر نمیتوانستیم به مبارزه ادامه بدهیم و جو سیاسی حاکم در کردستان و شرایط سخت آنجا باعث شد که به کردستان عراق برویم ولی بدلیل اینکه کردستان عراق واقعا ناامن بود و نمیتوانستیم آنجا بمانیم و بچه هایم از نظر تحصیلی نمیتوانستند رشد کنند به همین دلیل من و همسرم تصمیم گرفتیم که خودمان را به کشور امنی برسانیم. برآستی کردستان عراق هم جای امنی برای ما نبود و اکنون مدت پنج ماه است که در ترکیه با شرایط سختی زندگی میکنم.

همبستگی: چند وقت است به ترکیه آمده اید و علت آمدن شما چه بوده؟

همبستگی: آیا در این مدت از طرف سازمان ملل کسی به منزل شما آمده تا از نزدیک وضعیت شما را ببینند؟

ح.م: خیر تا کنون هیچکس از طرف این سازمان نیامده تا واقعا ببیند ما در چه وضعیتی زندگی میکنیم و در چه شرایطی قرار داریم.

همبستگی: آیا ممکن است توضیح دهید که در این شرایط سخت ترکیه که مخارج زندگی بسیار بالاست مخارج زندگی خودتان را از کجا تامین میکنید؟

ح.م: موقعیکه در آنکارا بودم چون مشکل زبانی داشتم و نمیتوانستم بجایی رفته و کار بکنم به همین دلیل عده ای از پناهجویان به من مقداری کمک میکردند و بعضی مواقع هم مجبور بودم که در خیابانها بدنبال شیشه های آبجو بگردم و آنها را جمع کرده و به مغازه ها بفروشم تا بتوانم حداقل مقداری برنج برای بچه هایم بخرم. بارها در خیابانها میگشتم تا نانهایی که در سطل آشغال منازل مردم بود پیدا کنم و برای بچه هایم بیاورم. از سازمان ملل که سازمان دفاع از حقوق انسانها میباشد حتی برای یکبار هم کسی برای سرکشی به منزل ما نیامد. گاهی اوقات بچه های شورا در آنکارا و عده ای دیگر از پناهجویان که از وضعیت من اطلاع داشتند به ما کمک میکردند.

همبستگی: آیا سازمان ملل به شما کمک میکند؟

ح.م: خیر. سازمان ملل فقط به افرادی که قبولی داشته باشند کمک میکند و به پرونده بسته و آبی.



خانواده حسین محمدی

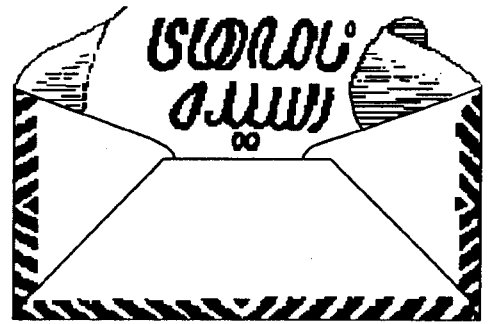
همبستگی: آخرین تصمیم کمیساری عالی سازمان ملل برای پناهندگان در مورد شما چه بوده است؟

ح.م: پرونده ما را به اصطلاح آبی.ام. کرده است و فعلا در بلا تکلیفی بسر میبریم.

همبستگی: از شورای این شهرستان راضی میباشید؟

ح.م: از شورا خیلی متشکرم که لااقل هر چند روز یکبار به ما سر میزنند و حداقل احوالی از خودم و بچه هایم میپرسد و همیشه به ما کمک کرده است و از آنها تشکر داریم که اینچنین دنبال کار پناهجویان را گرفته اند.

مصاحبه گر: م. کاردان



استرالیا

* سیدنی - فرامرز احسان، مطلب شما تحت عنوان "یک نامه" بدستمان رسید. همانطور که طی مقالات متفاوت در این نشریه نشان داده‌ایم در انتهای قرن بیستم دیگر نمی‌توان صحبت از این کرد که "ملی‌گرایی می‌تواند هم سازنده و هم مخرب باشد". اتفاقاً تنها چیزی که می‌توان درباره ملی‌گرایی گفت این است که هر شکل آن مخرب و ضدانسانی است. فقط طی دهه اخیر ملی‌گرایی جواز تبعیض و تحقیر روزانه میلیونها نفر، توجیه هزاران جنایت، آدم‌سوزی و فجایع مشابه، و عامل دهها جنگ کوچک و بزرگ در جهان بوده است. نتیجه این جنگها علاوه بر تخریب و ویرانی بیحد، کشتار میلیونها انسان شریف و زحمتکش جهان بوده است. با این کارنامه آیا باز می‌توان صحبت از عامل سازنده در ملی‌گرایی کرد؟

* سیدنی - دفتر فدراسیون در سیدنی، اطلاعاتی‌های مشترک شما با شورای پناهندگان و مهاجرین عراقی در سیدنی به مناسبت بسته شدن کمپ اسلویی در جنوب ترکیه و قتل باکر علی فعال جنبش کارگری کردستان عراق دریافت شدند. موفق باشید.

* سیدنی - جمعی از پناهندگان و مهاجرین ایرانی، اطلاعاتی شما تحت عنوان "هشدار به مخالفین جمهوری اسلامی" دریافت شد. متشکریم.

انگلستان

* اکبر، مطلبی را که درباره وضعیت پناهندگان و آوارگان جهان فرستاده بودید دریافت کردیم. وجه ارسالی شما هم رسید. متشکریم.

* لندن - سیاوش شایگان، نشریه همبستگی برایتان فرستاده می‌شود.

پاکستان

* محمد الف، اشرف ج، بونگ، لایلا، غلام م، عبدالصبور، صالح م، عبدالملین درباره تقاضای شما برای دریافت کارت عضویت فدراسیون، بیژن هدایت، دبیر تشکیلات فدراسیون بطور جداگانه نامهای برای همکاران حمید آیدر، دبیر شورای راولپندی، فرستاده است و توضیحات لازم را در اختیار ایشان قرار داده است. از علاقه و همکاری شما متشکریم.

* قادر م، با توجه به اسنادی که فرستاده‌اید وضعیت پناهندگی شما را با دفتر مرکزی کیساریای پناهندگی سازمان ملل در ژنو مطرح خواهیم کرد.

توکیه

* آنکارا - صالح و ثریا خ، تقاضای کمک ویژه شما دریافت شد. با توجه به ویژگی این تقاضا، بطور جداگانه با شما تماس خواهیم گرفت.

* آنکارا - کمیته دفاع از حقوق زنان ایران در ترکیه، نامه شما و گزارش فعالیت‌های یکساله اخیر شما دریافت شد. خسته نباشید.

* چروم - ص.ش، از اینکه ما را در جریان ملاحظات خود قرار دادید متشکریم. لطفاً توجه کنید که شورای ترکیه در پذیرش عضو و یا سلب عضویت اعضای خود اختیار کامل دارد. طبعاً اگر عضوی معتقد است که مسئولین شورای ترکیه بنادرست با او رفتار کرده‌اند او همواره می‌تواند از مجمع عمومی شورا تقاضای بررسی وضعیت مشخص خود را بکند. در صورتیکه مجمع عمومی واحد فدراسیون در ترکیه رفتار مسئولین شورا در قبال عضوی را تأیید کند و با این وجود آن عضو هنوز معتقد باشد که نسبت به او بنادرستی رفتار شده است، وی می‌تواند ملاحظات خود را همراه با

هر سند لازم برای دبیرخانه فدراسیون بفرستد. پس از بررسی این ملاحظات و کسب اطلاعات کافی، ما نظر قطعی خود را به اطلاع مسئولین شورای ترکیه خواهیم رساند و توصیه‌های لازم را به آنها خواهیم کرد. طبیعی است که در واحد بزرگی مانند شورای ترکیه همواره اختلاف سلیقه و نظر وجود داشته باشد. شرط استمرار فعالیت این واحد مانند هر واحد دیگر فدراسیون برسمیت شناختن این اختلاف سلیقه‌ها و پایبندی به موازین کار جمعی مطابق با اساسنامه شورای ترکیه و فدراسیون است. بنابراین واضح است که از نظر ما وظیفه یک عضو جدی فدراسیون در ترکیه جلب پناهندگان هر چه بیشتر به فعالیت جمعی در واحدهای شهری شورای ترکیه و ایجاد فضایی است که مطابق با موازین پذیرفته شده کار جمعی نظرات موافق و مخالف در جوی بسیار صمیمی و دوستانه مطرح شوند. درباره چند دوست مشخصی که در نامه خود از آنها یاد کرده‌اید ما در جریان دقیق مسائل آنها قرار گرفته‌ایم و نظر خود را بطور مکتوب در اختیار این دوستان و مسئولین شورای ترکیه قرار داده‌ایم.

* نیده - حمید ر. ک، با تشکر متن مصاحبه‌ای را که ترتیب داده بودید دریافت کردیم.

* کاستومونو - علی ح، نامهای را که خواسته بودید برای UNHCR فرستادیم. رونوشت آنرا می‌توانید از شورای ترکیه دریافت کنید.

* نوشهر - امیر آ، و چانکری - قادر م، فرمهای تقاضای کمک شما دریافت شد.

* آماسیا - جلال ح، برای پیگیری پرونده پناهندگی‌تان از جانب دبیرخانه فدراسیون لازم است بدو فرم تقاضای کمک ویژه‌ای را که به این منظور تهیه شده است پر کرده و به شورای ترکیه تحویل دهید. پس از دریافت این فرم، پرونده شما را دنبال خواهیم کرد.

* چانکری - شهرام ت، ملاحظات و پیشنهادات شما درباره شورای ترکیه بدستمان رسید. همکاران بیژن هدایت آنها را پیگیری خواهد کرد.

* آنکارا - پیام رفیعی، منشی شورای ترکیه، با تشکر گزارش مذاکره مسئولین شورا با مسئول مالی UNHCR و همینطور لیست جدیدی که فرستاده بودید هر دو دریافت شدند. از اینکه با صمیمت تمام ملاحظات خود را درباره ل.ش. نوشتید متشکریم. ملاحظات شما را حتماً در نظر می‌گیریم.

* افشان - دبیرخانه فدراسیون وضعیت شما و دوستان دیگرتان را بدقت دنبال می‌کند. اسناد مربوطه برای شورای ترکیه فرستاده شد و حتماً در اختیار شما قرار خواهند گرفت.

* آنکارا - علی ک، پرونده پناهندگی شما از طرف دبیرخانه فدراسیون پیگیری شد و نتیجه آن به اطلاع شورای ترکیه رسید.

دانمارک

* کپنهاک - نیلوفر، نوشته شما در نقد مطلب آقای فرشید ایرانی رسید.

* آدنسه - ن، از اینکه خود را در رابطه با مطالب آگاه‌گرانه همبستگی درباره ملیت، حقوق زنان و مذهب در کنار ما میدانید، خوشحالیم. ملاحظات شما درباره اضافه شدن صفحات ویژه‌ای به همبستگی را بررسی خواهیم کرد. وجهی که فرستاده بودید نیز دریافت شد. متشکریم.

* ویبوری - پژمان، متأسفانه برای ما امکان رساندن نامه شما بدست کسی که نوشته‌اید وجود ندارد. آدرس جدیدتان ثبت شد.

آلمان

* کلن - نغیز، سحر و وریا، ابتکار عمل شما برای جمع‌آوری کمک مالی برای دو پناهنده‌ای که در ترکیه گیر افتاده‌اند بسیار جالب و قابل قدردانی است. همانطور که خواستهایم وجه جمع‌آوری شده در جشن تولد شما برای این دوستان ارسال می‌شود.

* هانور - نشر بیدار، اطلاعاتی شما در مورد ضرورت گسترش ادبیات چپ دریافت شد. متشکریم.

* کاسل - فواد درویش، با تشکر گزارش مالی شورای کشوری آلمان طی ماههای آوریل تا ژوئن بدستمان رسید.

* برلین - حمید، رونوشت قبض وجهی که فرستاده بودید را دریافت کردیم. پس از پیگیری مسئله شما را در جریان قرار میدهم و از کمکهای موثرتان سپاسگزاریم.

* فرانکفورت - تقی‌پاک ایمان، با تشکر گزارش مالی سه ماهه ژوئیه تا سپتامبر حساب بانکی فدراسیون در آلمان بدستمان رسید.

* برلین - کانون پناهندگان سیاسی ایرانی، بیانیه مطبوعاتی شما درباره جلسه جمعه ۱۴ اکتبر دادگاه میکونوس دریافت شد. متشکریم.

آمریکا

* تارزانا - ب. الف، نوشته شما درباره سخنرانی هاید در آگاهی در لوس آنجلس دریافت شد. ما از مضمون گفته‌های سخنران مطلع نیستیم اما به نظر ما نیز سلطه حکومت و قوانین اسلامی بر علیه زنان در ایران یک عامل مهم سرکوب این بخش از جامعه است و به هیچ وجه نباید آنرا دستکم گرفت. یک وجه سیاست ما برای درج مطالب در همبستگی این است که نویسنده به حرمت فردی کسی که با او مخالف است توهین نکند. در نوشته شما بخشهایی وجود دارند که از این بابت با سیاست ما سازگار نیستند.

* لوس آنجلس - مزدک فرهت، با تشکر مقاله شما تحت عنوان "قلب سلامت در اتاق عمل" دریافت شد.

* ریوردال - حمید ف، تقاضای اشتراکی را که فرستاده بودید در اختیار مسئول انتشار همبستگی در آمریکا قرار دادیم.

* مورتو گرو - درباره ایران، مطالب و اسناد شما رسید. متشکریم.

* سیروس نوین، با تشکر ترجمه مطلبی که تحت عنوان "تبرد ایده‌ها بر سر هر خیابان" فرستاده بودید دریافت شد. متشکریم.

اتریش

* وین - محمد الف، نوشته شما درباره فیلم "مهاجرت افغانه به جنوب خراسان و تخریب منابع طبیعی این منطقه" دریافت شد. متشکریم. آنرا در همبستگی ۵۴ چاپ خواهیم کرد.

سوئد

* فارشتا - کانون زندانیان سیاسی در تبعید، با تشکر اطلاعیه اعلام موجودیت و بیانیه شما پیرامون سالگرد اعدامهای گسترده در زندانهای جمهوری اسلامی دریافت شد. از طرف همبستگی، نازلی پرتوی با شما تماس خواهد گرفت. موفق باشید.

* لولنو - علی کتابی، از اظهار لطف و محبت شما سپاسگزاریم. وجود رفقای چون شما در این فدراسیون همواره مایه پشتگرمی ما بوده است. مطلبی که درباره تحولات کردستان عراق هم فرستاده بودید دریافت شد. متشکریم.

* یوتبوری - رمضان و نورالدین الف، از اینکه کار انتقالات به فرجام رسید خوشحالیم. برایتان آرزوی موفقیت و شادی داریم.

* یوتبوری - عباس سماکار، با تشکر کتابهای "چیزی در همین حدود" و "تبعیدها" دریافت شدند. متشکریم.

* یوله - عبدالله شریفی، اطلاعیه شورای پناهندگان و مهاجرین ایرانی یوله در مورد تحرکات راسیستی طی ماه گذشته و مطلب دستمزد برابر در مقابل کار یکسان بدستمان رسید. از همکاریتان سپاسگزاریم.

* استکهلم - معین م.، لطفا به اطلاع دوستان در ترکیه برسانید که در اولین فرصت ممکن فرم تقاضای کمک را از همکارانمان در شورای ترکیه دریافت و تکمیل کنند. پس از دریافت این فرم دبیرخانه فدراسیون کار پناهندگی ایشان را پیگیری خواهد کرد.

* فارشا - اسعد و، با توجه به ویژگی وضعیت دوستی که درباره او برپیمان نوشتید، ملاحظاتمان را در این باره بطور جداگانه با شما مطرح خواهیم کرد. * مالمو - فرشید ایرانی، نامه شما در همین شماره همبستگی چاپ شده است.

* گانگف - سعید غ.، نشریه همبستگی برایتان ارسال می شود.

سوئیس

* گرسا - جواد س.، درباره درخواست کمک شما برای ایجاد واحد فدراسیون در سوئیس، بیژن هدایت، توصیه های لازم را بطور جداگانه برایتان فرستاد.

عراق

* رمادیه - الطاش - کمیته همبستگی پناهندگان ایرانی در کمپ الطاش، مطالب، اسناد، لیستها و گزارشات جامعی که فرستاده بودید همگی دریافت شدند. امیدواریم که در تلاش خود برای جلب پناهندگان بیشتر به فعالیت مشترک برای رفع مشکلات و مسائلشان موفق باشید.

* الطاش - علی سعیدی، ما رونوشت نامه شما را بهراه ملاحظات خودمان برای کمیته همبستگی پناهندگان ایرانی در کمپ الطاش خواهیم فرستاد.

* الطاش - نامدار ی.، نامه و گزارش پزشکی شما دریافت شد. آنها را حتما در نظر می گیریم.

* الطاش - بهرام م.، فرم تقاضای کمک شما بهراه توضیحات دیگری که فرستاده بودید همگی دریافت شدند.

* الطاش - داود د.، از شنیدن خبری که فرستاده بودید متاثر شدیم. هر چند ما از کم و کیف این خبر اطلاع دقیق نداریم اما بعنوان یک امر اصولی با شما موافقیم که انتخاب همسر باید برای زن یا مرد کاملا آزادانه باشد. سرکوب زن یا مردی بخاطر ابراز علاقه و عشق خود به فرد دیگری یک عمل ناشایست است. در شماره های قبلی همبستگی در

همین باره مطالبات زیادی درج شده بود. توصیه ما به شما این است که با اتکاء به این مطالب سر صحبت را با کسانی که در این واقعه شرکت داشتند باز کنید و سعی کنید آنها را متوجه رفتار اشتباهشان کنید.

* الطاش - اسد گ.، ما در جریان وضعیت فرزند شما هستیم و این مسئله را با دفتر مرکزی کمیساریای پناهندگی سازمان ملل در ژنو مطرح کرده ایم.

* الطاش - عباس ن.، آقامراد ی.، شیرمراد ی.، کاکامراد ی. و علی س.، فرمهای تقاضای کمک شما همگی دریافت شد.

* الطاش - عزیز مراد ی.، از اظهار محبت و لطف شما سپاسگزاریم. شک نداریم که کمیته همبستگی پناهندگان ایرانی در کمپ الطاش در دور جدید مذاکرات و تماسهای نزدیک خود با مسئولین دفتر UNHCR در عراق حتما وضعیت سخت و خطیر شما را مطرح خواهند کرد. ما امیدواریم که این مذاکرات هر چه زودتر به نتیجه برسد و در وضعیت شما و خانوادهتان تغییر جدی حاصل شود. پیروز باشید.

* الطاش - گل اندام الف.، از همکارانمان در شورای کشوری سوئد خواهیم خواست تا درباره انتقال شما به این کشور تماسهای لازم را با خانوادهتان و مقامات ذیربط بگیرند.

* الطاش - صحبت الله ب.، ما در جریان وضعیت سخت شما و خانوادهتان هستیم و امیدواریم که تماسهای اخیر ما و کمیته همبستگی با مسئولین مرکزی و محلی کمیساریای پناهندگی سازمان ملل منجر به بهبود وضعیت پناهندگانی چون شما بشود.

فرانسه

* پاریس - کمیته برگزاری یادمان قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷، فراخوان و اطلاعیه های شما دریافت شدند. متشکریم.

فنلاند

* کاریا - اسماعیل ویسی، گزارشهای شما از پورش راسیستها به پناهندگان در منطقه جنوبی فنلاند و اعتصاب غذای ۸۶ نفر از پناهندگان در شهر تالین پایتخت کشور استونی رسید. از همکاریتان سپاسگزاریم.

کانادا

* تورنتو - یدالله محمودی، با شما کاملا موافقیم که پناهندگانی که از ترکیه خارج می شوند و با کمک فدراسیون از خطر اخراج، فقر، فشار پلیس و رفتار غیراصولی UNHCR نجات پیدا کرده اند، نباید پس از ورود به یک کشور امن تعهد خود به پناهندگان دیگری که در ترکیه باقی مانده اند را فراموش کنند. بعنوان یکی از مسئولین سابق شورای ترکیه، شما از جانب ما اختیار کامل دارید که با همه دوستانی که آشنا هستید تماس گرفته و مسئولیتشان را به آنها یادآوری کنید. مطلب شما تحت عنوان "ترکیه را فراموش نکنید" دریافت شد، متشکریم.

* مهرانوش - با تشکر داستان کوتاه شما رسید.

* شورای تورنتو - گزارش برگزاری مجمع عمومی اخیر شما دریافت شد. برای شما آرزوی موفقیت داریم.

* تورنتو - سعید زمانی، برای اینکه دبیرخانه فدراسیون بتواند کار دوستان شما را پیگیری کند لازم است که آنها بدو با شورای ترکیه تماس بگیرند و فرم تقاضای کمک ویژه فدراسیون را تکمیل کرده و در اختیار آنها قرار دهند.

نروژ

* برگن - سیامک شعاعی، مطلب شما تحت عنوان "محکومیت دولت نروژ به خاطر راسیسم" و همینطور گزارش اقداماتی که واحد فدراسیون در نروژ در رابطه با کمپین کمک به پناهندگان ایرانی در ترکیه و عراق انجام داده است هر دو بدستمان رسید. از همکاریتان سپاسگزاریم. در مورد مسائل تشکیلاتی شورای نروژ، دبیر تشکیلاتی فدراسیون ملاحظات خود را بطور جداگانه با شما در میان خواهد گذاشت.

* اسلو - پروم.، توضیحات و اسناد شما درباره رد شدن تقاضای انتقال خورشاونداتان به نروژ را دریافت کردیم. در این باره بطور جداگانه با شما تماس خواهیم گرفت.

* استاونگر - غفار، با توجه به ویژگی تقاضای شما بطور جداگانه با شما تماس خواهیم گرفت.

* اسلو - انور م.، از شنیدن خبر انتقال خانواده شما خوشحالیم. برایتان آرزوی موفقیت داریم.

* استاونگر - بهزاد یوسفی، گزارش فعالیت های واحد فدراسیون در استاونگر بدستمان رسید. خسته نباشید.

نیوزیلند

* اوکلند - بریده روزنامهای را که فرستاده بودید دریافت کردیم. ولی همانطور که پیشتر به اطلاعتان رساندیم بدون دریافت اسناد کافی و موثق از پناهنده مورد نظر دبیرخانه فدراسیون پرونده پناهندگی ایشان را نمی تواند پیگیری کند.

هلند

* روتردام - محمود بیان، با تشکر همه اسنادی که فرستاده بودید دریافت شد. گزارش شما از اعتراض کودکان یکی از کمپهای پناهندگی در هلند نیز دریافت گردید. موفق باشید.

هندوستان

* افسان - همانطور که خواسته بودید نشریه به آدرس جدیدتان فرستاده می شود. قطعه شعری که فرستاده بودید دریافت شد. متشکریم.

آگهی شخصی

قابل توجه ژان صالحیان

لطفا با دوست خود مجتبی لونی به آدرس و شماره تلفن زیر در راولپندی پاکستان تماس بگیرید:

Mojtaba Loni
Satlet town F/987
Rawalpindi, Pakitstan
Tel: 41 76 90

رفیق مصطفی یونسی در کانادا. من مدت ۲ سال است از شما هیچ خبری ندارم. لطفا به این آدرس H-Khedir

Spångränd 2 A 2
10320 Karis, Finland

من، منصوره صفری، از کلیه دوستان قدیمی خود که از آنها بی اطلاع هستم تمنا می کنم با آدرس زیر با من تماس بگیرند:

M Safari
Kobenhavn Gt. 14E
0566 OSLO, NORWAY

فعالیتش در Nordstrand قرار دارد مسئول این حمله فاشیستی شناخته میشود.

۱۴ ژوئن ۱۹۸۵ : مسجد احمدیه توسط یک بمب منفجر میگردد. این مسجد در شهر اسلو قرار گرفته است. در جریان این حمله یک زن به شدت زخمی میگردد. حزب ناسیونالیست خلق (NFP) مسئول این حمله شناخته شده و فرد مهاجم به ۵ سال زندان محکوم میگردد. رهبر این حزب نیز به ۳ سال زندان محکوم گردید. در همین سال مرکز انجمن پاکستانیهای مقیم نروژ توسط یک گروه نازیستی در Brumundal منفجر گردید. این سومین بار بود که این مرکز مورد حمله نازیستها قرار میگرفت.

۷ اکتبر ۱۹۸۸ : یک مغازه که صاحب آن یک پاکستانی میباشد در استان روگلاند توسط یک گروه راسیستی به آتش کشیده میشود. بدنبال این جریان ۸ نفر از این گروه راسیستی توسط پلیس بازداشت میگردد.

۲۳ آوریل ۱۹۸۹ : با پرتاب چند شاخه دینامیت به سوی کمپ پناهندگان در Eidsvoll خساراتی به این کمپ وارد میآید. پلیس دو نوجوان را به اتهام شرکت در این حمله بازداشت میکند. این دو به ۵ تا ۶ ماه زندان محکوم میشوند. ۱۴ - ۱۵ مه ۱۹۸۹ : توسط بمبهای آتشزا به یک کافه که محل اجتماع گروه Blitz میباشد حمله ای صورت میگردد. در این جریان به کسی خسارات جانی وارد نگردید. ۵ نوجوان توسط پلیس دستگیر شده و به ۲ تا ۵ هفته زندان محکوم میگردد.

۲۸ مه ۱۹۸۹ : یک پناهجوی ایرانی در شهر Brumundal مورد هجوم چند راسیست قرار میگردد. در این جریان کسی توسط پلیس دستگیر نمیگردد.

۱۰ آگوست ۱۹۸۹ : یک خانواده تامیل توسط تعدادی اوباش راسیست مورد حمله قرار میگردد. در این جریان کسی دستگیر و یا بازداشت نمیکردد. ۱۴ آگوست ۱۹۸۹ : یک پناهجوی عراقی مورد هجوم یک گله چند نفره از راسیستها قرار میگردد. در این جریان کسی دستگیر و یا بازداشت نمیکردد.

۳ مارس ۱۹۹۰ : دفتر Blitz در اسلو با نارنجک دستی مورد حمله قرار میگردد. در این جریان به کسی صدمهای وارد نمیآید. حمله کنندگان از محل متواری میگرددند.

۵ آگوست ۱۹۹۴ : با پرتاب یک بمب قوی به طرف دفتر Blitz و شلیک چند گلوله خسارات فراوانی به این دفتر و اماکن اطراف وارد میآید. در این جریان کسی آسیب نمی بیند. کسی بازداشت و دستگیر نمیکردد.

اینها فقط گوشه‌های کوچکی از میزان حملات نازیها و راسیستها در نروژ علیه خارجی‌ها و گروهها و عناصر ضدفاشیستی بود. این رشد روز افزون

راسیسم و گروههای نازیستی در حالی است که دولت نروژ با تشدید قوانین ضد پناهندگی‌اش و تبلیغات احزاب راسیست درون پارلمان یک محیط مناسب را برای رشد فاشیستها فراهم آورده است.

مبارزه علیه فاشیسم

امروزه در کشورهای دمکراتیک، تحت تعلیمات لیبرالها و سوسیال دمکراسی، بعد از جنگ سرد در کارزار مبارزه علیه فاشیسم بطور چشمگیری این جمله شنیده میشود که: "من با فاشیستها موافق نیستم ولی این را جزو حقوق دمکراتیک فاشیستها میدانم که فعالیت قانونی کنند." حمایت دمکراسی و کمک دمکراسی به فاشیستها برای کسب قدرت تجربه جدیدی نیست. به قدرت رسیدن هیتلر در دمکراسی و بشکلی دمکراتیک صورت گرفت. امروزه تحت همین قوانین دمکراتیک است که رهبران راسیستها و نازیستها در صندلیهای پارلمانی خویش و یا در دولت‌های اروپائی لم میدهند و اوباشان ریز و درشتشان پوست از سر خارجی و یهودی و همجنس‌گرا و فعال کارگری و ضد نازیست میکنند. در روسیه پس از شکست دمکراسی غربی با تکیه به آرا دمکراتیک مردم ژیرنوفسکی فاشیست در پشت تریبون پارلمان ظاهر میشود و عاملین فقر و دزدی را اتباع ساکن جمهوریهای آسیائی نشین شوروی سابق معرفی میکند. در همین کشورهای اسکاندیناوی گاه و بیگاه سر و کله رئیس پلیسها و آمارگرایان در تلویزیون و رسانه‌های گروهی پیدا میشود تا با اتکا به "آمار" نشان دهند که خارجی‌ها مرتکب جرائم بیشتری نسبت به ساکنین بومی این کشورها میشوند.

باید بطور جدی و فعال در مقابل گرایشات این چینی که عملاً به فاشیستها میدان فعالیت می‌دهند ایستاد. باید با تمام قوا این گرایشات را افشا نمود. نباید اجازه داد که دمکراسی با شعار ننگین خویش آزادی فعالیت برای فاشیستها را تامین کند. جهان ما شاهد زنده شدن و از گور برخاستن این قصابان وجنایتکاران تاریخی میباشد. باید با تمام قوا با بسیج نیروی رزمنده کارگری، فاشیستها و فعالیت آنها را متوقف ساخت. باید تا این غده چرکین و سرطانی رشد نکرده است آن را نابود ساخت. هیتلر بعد از به قدرت رسیدنش در یکی از سخنرانیهایش میگوید: "تنها یک چیز میتوانست ما را (نازیها) و جنبش ما را متوقف سازد. آن هم اگر مخالفین ما میتوانستند بفهمند که میتوان جریان و رشد ما را در آن زمانی که هنوز یک هسته نارس و ضعیفی بود از بین برد و نابود ساخت." هیتلر به درستی در این جمله به رمز به قدرت رسیدن خود و حزش اشاره میکند، که با خشونت و قاطعیت این هسته داغان و خرد نگردید و نتیجه این اشتباه برای نیروهای ضد نازیسم، میلیونها قربانی در جنگ و کوره های آدم سوزی گردید. تروتسکی به درستی در مبارزه علیه نازیسم میگوید که: باید در عمل وحدت

داشت. تروتسکی در دهه ۳۰ رمز از میان بدر کردن و توقف نازیسم را در بسیج و اتحاد نیروهای ضد نازیست علیه این بلیه میدید. رمز به قدرت رسیدن هیتلر پراکندگی و عدم انسجام مبارزه علیه نازیسم بود. برای مبارزه علیه نازیسم و کل سرمایه‌داری باید تنها با اتکا به همبستگی کارگری و نیروهای ضد فاشیستی با خرد کردن جنبش نازیستی و فاشیستی و در نهایت با برانداختن جهان سرمایه‌داری توسط یک انقلاب کارگری و انترناسیونال کارگری بشریت مدرن را از شر تمامی بلایای رژیمها و نظام سرمایه داری رها کنید. باور کنید این تنها راه ممکن نجات از هر گونه توحش سرمایه داری است. ❖

لیست نشریات و کتابهای دریافتی

- * دنیای کارگران، نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران، شماره ۱۶
- * کوردستان، ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران، شماره ۲۱۲، مرداد ۷۳
- * انترناسیونال، نشریه حزب کمونیست کارگری ایران، شماره ۱۵، شهریور ۷۳
- * گزاره، ارگان خبری جامعه دفاع از حقوق بشر، شماره ۴، سپتامبر ۹۴
- * نامه مردم، ارگان مرکزی حزب توده ایران، شماره ۴۳۵، ۴۳۶ و ۴۳۷، شهریور و مهر ۷۳
- * جهان امروز، نشریه سیاسی - خبری حزب کمونیست ایران، شهریور ۷۳
- * پیشرو، اورگان مرکزی سازمان کردستان حزب کمونیست ایران - کومهله، شماره ۵۲، ۵۳ و ۵۴
- * کارگر امروز، نشریه انترناسیونالیستی کارگری، شماره ۴۹، شهریور ۷۳
- * اتحاد کار، ارگان مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، شماره ۵، شهریور ۷۳
- * پگاه، اجتماعی و فرهنگی، شماره ۱، سنبله ۷۳
- * پنجره، نشریه اطلاعاتی کلوب کتاب پنجره، شماره ۴، سپتامبر ۹۴
- * یک مصاحبه و چند پرسش
- * آفتاب، شماره ۷، سپتامبر ۹۴
- * آناهیتا، نشریه تبلیغاتی و اطلاعاتی شماره ۱۷، پائیز ۹۴
- * گلستان، مجله دری، شماره هشتم
- * پژواک ایران، شماره ۱۰۸
- * مجموعه داستان "چیزی در همین حدود"، از عباس سماکار، زمستان ۷۲
- * "تبعیدیه" چهار مقاله، از عباس سماکار، زمستان ۷۲
- * رنسانس ایران، دانشگاه ملی ایران و شاه، بقلم دکتر علی شیخ الاسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۹
- * Workers World, Workers World Part y, no. 32-35, Aug-Sept. 94
- * Amnesty International, Egypt, Sept. 94
- * Amnesty International, Yemen, Sept. 94
- * Amnesty International, Newsletter, no. 8 & 9, Aug. 94
- * New Unionist, no 207

آدرس تماس شوراها و دفاتر فدراسیون

آلمان

شورای کشوری
دبیر: هادی اسماعیلی
شماره فاکس:
شماره تلفن:
(روزهای سه شنبه و پنجشنبه از ۲ الی ۶ بعد از ظهر)
I.F.R.
ELFBUCHENSTRASSE 18
34119 KASSEL
حساب بانکی:

IFIR DTLD
POSTGIROAMT FRANKFURT AM MAIN
KONTO NR. 61 13 18 - 609
BLZ 500 100 60

شورای فرانکفورت
دبیر شورا: پروین ثقفی
شماره تلفن:
(روزهای دوشنبه و پنجشنبه از ساعت ۲ تا ۶)
I.F.R.
DRITTE WELTHAUS
WESTERBACHSTR. 40
60489 FRANKFURT

شورای کلن
دبیر شورا: بهرام نویدی
شماره تلفن:
(روزهای جمعه از ساعت ۲ تا ۵)
1) TAUNUSSTR. 12 a
2) DREIKÖNINGEN STR. 23

آدرس پستی:
POSTFACH 501959
50979 KÖLN

شورای کیسن
دبیر شورا: سعید زمانی
آدرس پستی:
I.F.R.
BAHNHOF STR. 38
35390 GIBEN

شورای کاسل
دبیر شورا: محمد مشکات
شماره تلفن و فاکس:
(دوشنبه ها و جمعه ها از ۲ الی ۵ بعد از ظهر)
I.F.R.
MOMBACHER STR. 10-12
34127 KASSEL

دفتر مشاوره حقوقی در دارمشتات
شماره تلفن:
(جمعه ها از ساعت ۱۷ تا ۱۹)
آدرس ملاقات:
SKA
BÜRGERBERATUNG (IRAN ABT.)
FRANKFURTER STR. 10
64293 DARMSTADT

دفتر فدراسیون در برلین
دبیر دفتر: علیرضا هدایت
آدرس پستی:
POSTFACH 1631
14006 BERLIN

آمریکا
شورای لوئیس آنجلس
شماره تلفن و فاکس:
دبیر شورا: محمود احمدی
آدرس پستی:

۰۳۱-۲۰۷۹۶۵۲
HAMBASTEGLI
P.O. BOX 251272
LOS ANGELES
CA 90025

آتریش
دفتر فدراسیون در وین
شماره تلفن:
(شنبه ها از ۱۰ تا ۱۳)
آدرس ملاقات:

۰۲۲۲-۵۸۷۲۸۲۹
A-M
POSTFACH 27
1233 WIEN

استرالیا
دفتر فدراسیون در سیدنی
دبیر دفتر: آرسلان ناظرین
آدرس پستی:

۰۲۲۲-۵۸۷۲۸۲۹
P.O. BOX A2 158
SYDNEY SOUTH
NSW 2000

بریتانیا
نماینده فدراسیون: ساعد صارمی
آدرس پستی:

NASIM
BM BOX 1919
LONDON WC1N 3XX

پاکستان
شورای راولپنڈی
دبیر: حمید آبیڈر
شماره فاکس:
(همه روزها بجز روزهای جمعه)
شماره تلفن:
(روزهای پنجشنبه از ۲ الی ۶ بعد از ظهر)
HAMID ABIDER
c/o SH. PERVOUZ. NASIR
U.B.L. STELLITE TOWN
RAWALPINDI

۰۵۱-۴۲۲۳۰۹
۰۵۱-۴۲۲۶۲۹۸

۰۵۱-۴۲۲۳۰۹
۰۵۱-۴۲۲۶۲۹۸

۰۵۱-۴۲۲۳۰۹
۰۵۱-۴۲۲۶۲۹۸

۰۵۱-۴۲۲۳۰۹
۰۵۱-۴۲۲۶۲۹۸

۰۵۱-۴۲۲۳۰۹
۰۵۱-۴۲۲۶۲۹۸

دانمارک

شورای کپنهاگ
دبیر شورا: رضا دوستی
آدرس پستی:

DET IRANSKE FLYGTNINGE OG
INVANDRERÅD I DANMARK
POSTBOKS 1234
2300 KOBENHAVN S.

شورای اودنسه
آدرس پستی:

DET IRANSKA FLYGTNING
OG INVANDRE (RÅDET)
POST BOKS 1258
5100 ODENSE C

سوئد

شورای کشوری
دبیر: بهرام رحمانی
شماره تلفن و فاکس:
شماره تلفن:
(روزهای دوشنبه تا جمعه از ساعت ۱۰ صبح تا ۶ بعد از ظهر)
شماره چیرو پستی:
آدرس پستی:

۰۸-۵۳۱۸-۸۶۳
۰۷۰۸-۵۷۸۹۹۴
20 09 74 - 4
IFR
BOX 9092
102 72 STOCKHOLM

شورای استکهلم
دبیر: بهزاد بارخدایی
شماره چیرو پستی:
آدرس پستی:

60 38 30 - 1
IFR
BOX 1172
172 24 SUNDBYBERG

شورای مالمو
دبیر: بدی کریمی
شماره تلفن:
شماره چیرو پستی:
آدرس پستی:

۰۴-۹۲۳۹۴۴
45 87 365 - 0
IFR
BOX 17563
200 10 MALMÖ

شورای یوتبری
دبیر: سلیمان قاسمیانی
شماره تلفن:
شماره چیرو پستی:
آدرس پستی:

۰۳۱-۴۳۱۳۶
81 44 73 - 5
IFR
BOX 11090
404 22 GÖTEBORG

شورای لین شویینگ
دبیر: روشنگر خوشنویس
شماره چیرو پستی:
آدرس پستی:

473 10 57 - 8
I.F.R.
BOX 8001
580 08 LINKÖPING

شورای نینسهاگ
دبیر: رسول بناوند
آدرس پستی:

I.F.R.
BOX 58
148 00 ÖSMO

شورای لولنو
دبیر: علی کتابی
آدرس پستی:

I.F.R.
HÖST VÄGEN 264
276 33 LULEÅ

شورای استورپ
دبیر: رحیم یزدان پرست
شماره چیرو پستی:
آدرس پستی:

66 38 07 - 6
I.F.R.
BOX 165
265 22 ÅSTORP

شورای یوله
دبیر: عبدالله شریفی
آدرس پستی:

I.F.R.
BOX 1087
801 35 GÄVLE

فرانسه
نماینده فدراسیون: نادر بکتاش
آدرس پستی:

Mr. TARY, P.R.
38 BD. STRASSBOURG
75010 PARIS

فنلاند
شورای کشوری
شماره فاکس:
دبیر: اسماعیل ویسی
آدرس پستی:

۰۱۱-۳۸۰۶
E.H.
PL 50
10300 KARJAA

شورای واسا
دبیر: عبدال کلخ
آدرس پستی:

VASSAN PAKOLAIŠNEUVOSTO
POSTE RESTANTE
653 20 VASSA

هند
شورای کشوری
دبیر: بهمن خانی
آدرس پستی:

۰۹۱-۵۲۹۰۰۲
IFR c/o KESKI
SUOMEN TYÖTÖMIEN YHDISTYS RY
SCHAUAMANKATU 1
40190 JYVÄSKYLÄ

شورای اوسیمیا
دبیر: حیدر خدیری
آدرس پستی:

IFR c/o H.K.
SPOMGRAND 2A2
103 20 KARIS

دبیر فدراسیون در یواسکولا
شماره فاکس:
شماره تلفن:
آدرس پستی:

۰۹۱-۵۲۹۰۰۲
IFR c/o KESKI
SUOMEN TYÖTÖMIEN YHDISTYS RY
SCHAUAMANKATU 1
40190 JYVÄSKYLÄ

شورای اوسیمیا
دبیر: حیدر خدیری
آدرس پستی:

۰۹۱-۵۲۹۰۰۲
IFR c/o KESKI
SUOMEN TYÖTÖMIEN YHDISTYS RY
SCHAUAMANKATU 1
40190 JYVÄSKYLÄ

شورای اوسیمیا
دبیر: حیدر خدیری
آدرس پستی:

۰۹۱-۵۲۹۰۰۲
IFR c/o KESKI
SUOMEN TYÖTÖMIEN YHDISTYS RY
SCHAUAMANKATU 1
40190 JYVÄSKYLÄ

کانادا

شورای کبک
دبیر: موسی یوسفی
شماره تلفن:

۰۲۸۱-۱۹۱-۱۱۶

دفتر فدراسیون در ونکوور
دبیر دفتر: صابر آزاد
شماره تلفن:
شماره فاکس:
آدرس پستی:

۶۰۴-۹۸۸۱۹۸۰
۶۰۴-۹۸۰۷۹۹۱۶
P.O. BOX 54021
NORTH VANCOUVER
BC V7M 3L5

شورای لندن
دبیر: فریدون البرز
شماره تلفن:
(روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه)
آدرس پستی:

۵۱۹-۶۸۱۳۶۶۶
P.O. BOX 24003
LONDON, ONTARIO
N6H 5C4

شورای تورنتو
دبیر: شهرام صنیعی
شماره تلفن:
(روزهای دوشنبه تا جمعه از ساعت ۱۰ صبح تا ۲ بعد از ظهر)

۰۴۵۳۷۹-۵-۱۶۶

شماره فاکس:
آدرس پستی:
HAMBASTEGLI
P.O. BOX 193, STN. Q
TORONTO ONT. M4T 2M1

دفتر فدراسیون در اوتاوا
دبیر دفتر: داود آرام
شماره تلفن:
شماره فاکس:
آدرس پستی:

۶۱۳-۲۳۲۹۶۳۴ EXT ۴۶۳
۶۱۳-۲۳۲۳۶۶۰
NEW COMER CENTRE
218 ARGYLE ST. ROOM 224
OTTAWA, ONT.
K2P 2H4

دفتر فدراسیون در کالگری
دبیر دفتر: صفار ساعد
شماره فاکس:
آدرس پستی:

۰۴۰۳-۲۶۶۲۹۱۸
P.O. BOX 2941
CALGARY, ALBERTA
T2P 3C3

نروژ

شورای کشوری
دبیر: سیامک شعاعی
شماره تلفن:
شماره فاکس:
آدرس پستی:

۰۵۵-۳۱۱۸۹۵
۰۵۵-۹۶۰۶۰۷
I.F.R.
c/o DET FELLES INNVANERRÅD
P.O. BOX 172
5001 BERGEN

شورای برگن
دبیر: صابر رحیمی
شماره تلفن:
شماره فاکس:
آدرس پستی:

۰۵۵-۳۱۱۸۹۵
۰۵۵-۹۶۰۶۰۷
I.F.R.
POSTBOKS 1266
5001 BERGEN

شورای اوسلو
دبیر: محمد آمینی
آدرس پستی:

I.F.R.
LUDVIG KARSTENS VEIEN 10
1064 OSLO 10

دفتر فدراسیون در استاونگر
دبیر: بهزاد یوسفی
آدرس پستی:

I.F.R. (B. YOUSEFI)
INTERNATIONAL KULTURSENTER
SANDVIGÅ 27
4007 STAVANGER

دفتر فدراسیون در هارشتاد
دبیر: بهروز ناصری
آدرس پستی:

I.F.R.
POSTBOKS 2007
9405 KANEBØGEN-HARSTAD

هند

شورای کشوری
دبیر: بهمن خانی
آدرس پستی:

B. KHANI
POSTBUS 1855
5602 CB EINDHOVEN
۰۴۰-۴۶۶۶۱۸

آدرس پستی در روتردام:

BAYAN
POSTBUS 19165
3001 BD ROTTERDAM

آدرس مراجعه:

V.W.R.
WEENA 745
3013 AL ROTTERDAM
(روزهای جمعه بین ساعت ۱۲ تا ۱۴)

۰۱۰-۲۳۳۰۰۹۹
۰۱۰-۴۳۳۰۳۰۲

شماره تلفن:
شماره فاکس:

کودکان پناهجو در هلند:

ما می خواهیم به مدرسه برویم

آموزش و تحصیل کودکان یکی از معضلات ساکنین کمپ پناهندگان در "ترنوزن" هلند است. کودکان پناهجو در این کمپ ۸ ماه فاقد امکانات آموزشی بودند. مراجعه والدین این کودکان به مسئولین مربوطه نتایجی نداشت و آنها نتوانستند با آغاز سال تحصیلی جدید به مدرسه بروند. به گزارش همکارمان محمود بیان، در اعتراض به این وضعیت، کودکان پناهجو از بوسنیا، روسیه، افغانستان و ایران در روز ۱۴ سپتامبر با حمل پلاکادهایی در خیابانهای مرکزی شهر تظاهرات کردند و شعارها و پلاکادهای خود را به درب مدارس و ادارات دولتی نصب کردند. شعارهای این کودکان عبارت بود از:

ما می خواهیم به مدرسه برویم!

ما می خواهیم هلندی یاد بگیریم!

این تظاهرات در برخی از رسانه های گروهی محلی

و سراسری هلند منعکس گردید. مسئولین شهرداری پس از مذاکره با مترجم و همراه این کودکان اظهار داشتند که این مشکل بخاطر عدم هماهنگی بین وزارت دادگستری و شهرداری رخ داده است و در عرض یک هفته به خواسته های کودکان رسیدگی خواهد شد.

کمک مالی غیر منظم به فدراسیون

سروش ن	ایتالیا	۱۰۰۰	کرون
صمد وایله	دانمارک	۱۰۰۰	کرون
مهزی	آمریکا	۶۰	دلار
خسرو هدایت	سوئیس	۶۰	فرانک
اکبر	انگلیس	۵	پوند
آزاد	سوئد	۱۲۰	کرون
سعید	دانمارک	۲۰	کرون

در شماره پیش به اشتباه کمک مالی بابک از اوتا به کرون آمده بود. ایشان مبلغ ۱۰ دلار کانادا به صفحه کودکان همبستگی کمک کرده اند.

کمک مالی منظم به فدراسیون

ناصر شیشه گر	سپتامبر و اکتبر	۲۰۰	کرون
خ. ا.	فوریه تا ژوئن	۲۵۰	کرون
نینا - واسا	فوریه تا ژوئن	۱۷۰	مارک
لیدا	ژوئیه تا اوت	۴۵	مارک
م. ستاره	ژوئیه تا اوت	۱۲۰	مارک
فرهاد	ژوئیه تا اوت	۳۰	مارک
نادر	ژوئیه تا اوت	۴۵	مارک
ماری	ژوئیه تا اوت	۳۶	مارک
اسی	ژوئیه تا اوت	۴۵	مارک
تقی	ژوئیه تا اوت	۹۰	مارک
هاوری ب.	سپتامبر تا دسامبر	۱۲۰	کرون
پژمان	سپتامبر تا نوامبر	۱۲۰	کرون
امید	سپتامبر تا نوامبر	۳۰۰	کرون

کمک های مالی به پناهندگان ایرانی در ترکیه

سرم، نه بز و وریا: ۱۸۶۰ کرون برای حسین و ستار

کمک های مالی به پناهندگان ایرانی

در ترکیه که مستقیماً ارسال شده ست

پرویز کاردان	۱۲۰	دلار
پرویز کاردان	۵۰	مارک
سعید، تگزاس	۵۰	دلار
امید آزادی	۴۰	دلار
آتوسا بایکیان	۱۰	دلار
امید و آتوسا	۵۰	دلار

پرویز کاروان، ۳۶۰ کرون کمک به شورای ترکیه بابت مخارج سفر نمانندگان شورا به کنگره فدراسیون

سهامیه شوراها

شورای کشوری کانادا، اکتبر ۱۵۰ دلار

مردم آلمان فقط نگاه نمی کنند!



محمود - ز

کننده است. واقعه زیر یکی از این نمونه ها است. این وقایع دهها بار اتفاق می افتد ولی به لطف توطئه سکوت رسانه های جمعی کسی از آنها خبردار نمیشود.

در تاریخ ۱۳ آگوست ۹۴ در شهر کوچک Salzhauseن جشن تائستانی منطقه ای برگزار شد. نزدیک به ده هزار نفر از شعاع ۳۰ کیلومتر آمده بودند تا در این جشن خیابانی شرکت داشتند.

طرفهای نیمه شب یک گل فروش هندی برای امرار معاش مشغول گل فروختن در میان مردم بود. او ناگهان مورد حمله سه جوان فاشیست ۲۰ - ۱۸ ساله واقع میشود. آنها با بطری آبیجی تهنه شکسته به او حمله میکنند و بیشتر ضربات متوجه صورت وی میشود.

در تاریکی شب، تنها گروه موزیک که مشغول نواختن بودند متوجه این واقعه میشوند. فوراً موزیک را قطع میکنند و مسئول نور تمام نور را متمرکز فاشیستها میکند و بدون تامل به آنها حمله میکنند. مردم هم که تازه متوجه مسئله میشوند به کمک آنها شتافته، هر سه جوان را دستگیر میکنند و بعد که پلیس سر میرسد آنها را تحویل پلیس میدهند.

گل فروش هندی یک چشمش را از دست داد و صورت ناهنجارش را باید تا آخر عمر تحمل کند. عمل ترمیم با جراحی پلاستیک بر صورت او انجام نمی گیرد، چرا که طبق قانون بیمه هزینه عمل جراحی پلاستیک برای زیبایی (!) باید شخصاً پرداخت شود. فاشیستها از شهر کوچک Budingen آمده بودند و حتماً بعد از اینکه همه چیز از تب و تاب افتاد در دادگاهی مثل دادگاه "منهایم" بعنوان سه بچه محصل خوب و درس خوان ولی مست (!) به چند ماه زندان محکوم خواهند شد.

این واقعه را یک زن میان سال آلمانی در حالیکه چشمانی پر از اشک داشت و از نزدیک واقعه را تماشا کرده بود برای من تعریف کرد. او میگفت اگر مردم همه جا این طور عکس العمل نشان دهند، فاشیستها و سیاستمداران دستشان از خارجی ها کوتاه میشود.

رسانه های گروهی و سیاستمداران آلمان به موازات حملات فاشیستی به خارجیان در این کشور، سعی دارند نشان بدهند که همه مردم آلمان از این وقایع خوشحالند و برای حملات فاشیستها کف می زنند و یا در بهترین حالت با بی تفاوتی آنها را نظاره می کنند. جهت کلی این تبلیغات علیرغم ظاهر انتقادی اش، تشویق فاشیستها و نشان دادن همدردی مردم با آنهاست.

بخاطر ندارم موردی را که مردم دخالت کرده اند و بر علیه حمله کنندگان فاشیست اقدامی هر چند کوچک کرده اند، در رسانه های گروهی منعکس شود. ولی دست زدن برای عده ای اوباش و فاشیست شهر روستوک بیشترین جای را در انعکاس اخبار فاشیستی داشته و دارد.

در زمانی که موج حملات فاشیستها و تعرض سیاسی آنها بیشتر و بیشتر شده است، در زمانیکه در یادگانهای شهر "کوبلز" صبحگاهان سرود خلبانان هیتلری خوانده میشود، در زمانیکه دادگاه شهر "منهایم" رئیس حزب فاشیست NPD را فقط به یکسال زندان آنها با حق خرید محکوم میکند، و در حکم خود در باره این شخص چنین اظهار نظر می کند:

"... او شخصی باهوش و فعال اجتماعی، پدر خوب سه فرزند است."

وکیل مدافع فاشیست او هم جرات نکرد این چنین از او دفاع کند که دادگاه از او کرد. هر چند بعداً دادگاه در اثر فشار اپوزیسیون مجبور شد اسلحه این پدر خوب سه فرزند را از وی بگیرد. البته این اسلحه با جواز رسمی به وی داده شده بود. در آلمان در موارد خیلی استثنائی جواز اسلحه داده میشود که بیشتر این استثناها شامل پدران خوب فاشیست (!) میشود.

در زمانیکه فاشیسم و نژادپرستی بیشتر مورد حمایت عملی دولت واقع میشود تا خواست مردم، اعتراض مردمی علیه حملات نژادپرستان، هر چقدر کوچک هم که باشد، معنی پیدا کرده و خوشحال

به همبستگی و فدراسیون کمک مالی کنید!

- * اگر مجله همبستگی را دوست دارید و می‌خواهید انتشار آن ادامه پیدا کند.
- * اگر می‌خواهید این مجله را عده بیشتری بخوانند.
- * اگر می‌خواهید به داد پناهجویان در ترکیه و عراق و پاکستان برسید.
- * اگر نمی‌خواهید نهادها و جریانات مذهبی، ناسیونالیست، زن‌ستیز و کودک آزار بی‌جواب بمانند.
- * اگر از جمهوری اسلامی ایران بدتان می‌آید.
- * اگر فعالیتهای این فدراسیون را نائید می‌کنید و از آن خود می‌دانید.

به همبستگی و فدراسیون کمک مالی بدهید. ۵ سال فعالیت این نهادها عمدتاً با کمک‌های مالی شما و آزادی‌خواهان دیگر ممکن شده است. و ادامه آنها به ادامه کمک‌های مالی شما بستگی دارد. کمک‌های مالی خود را به حسابهای بانکی و پستی زیر واریز کنید و کپی قبض پرداخت پول را به آدرس همبستگی بفرستید. بیست دلار و پنجاه دلار تأثیر زیادی در زندگی شما ندارد، اما بیست دلارها و پنجاه دلارهای عده زیادی مثل شما این فدراسیون و همبستگی‌تان را حفظ خواهد کرد!

آدرس مستقیم: Hambastegi, Box 240, 126 09 Hägersten, Sweden
شماره جیرو پستی در سوئد: postgiro: 4780666-6
شماره حساب بانکی در سوئد: Hambastegi, Konto 146535331, Första Sparbanken, Klarabergsg. 25, 111 21 Stockholm, Sweden
شماره حساب بانکی در آلمان: Hambastegi, Konto: 95306 - 7, BLZ: 501900 00, Frankfurter Volksbank, 6000 Frankfurt 1, Germany

۴- امکانات تفریحی و آموزشی لازم و کافی برای وقت آزاد جوانان مهاجر فراهم شود؛

انتراسیون و ادغام پناهنده و مهاجر

بقیه از صفحه ۳

مطالبات زنان مهاجر

به منظور ارتقاء موقعیت اجتماعی زنان مهاجر، رهایی آنان از قیود عقب‌افتاده فرهنگی و مذهبی که آنها را به زندگی در محیط محدود خانه و آشپزخانه مقید می‌سازد و به منظور جلوگیری از هر گونه تعدی به حرمت و وجود فردی‌شان لازم است که:

- ۱- امکانات آموزشی، فرهنگی و شغلی کافی برای ارتقاء موقعیت فردی زنان مهاجر فراهم شود؛
- ۲- حمایت کامل از زنانی که مورد تعدی و تجاوز همسران خود واقع میشوند به عمل آید و هرگونه توجه زن‌آزاری تحت عنوان ویژگیهای فرهنگی و ملی و مذهبی محکوم شده و ممنوع گردند؛
- ۳- استقلال اقتصادی زنان از همسرانشان تأمین و تسهیل شود؛

مطالبات کارگران مهاجر

به منظور اشتغال مهاجرین در رشته‌های کاری که با تخصص و آموزش قبلی آنها تطابق دارد و فراهم آوردن امکان ارتقاء آنها در جامعه لازم است که:

- ۱- تخصص و قابلیت‌های شغلی هر مهاجر مستقل از میزان تسلط او به زبان محلی ارزش‌گذاری شده و برسمیت شناخته شود؛
- ۲- سوابق کاری مهاجر برسمیت شناخته شود و در صورت تمایل او امکانات لازم برای آموزش زبان و تطبیق تخصصی برای وارد کردن هر چه سریعتر و موثرتر فرد مربوطه به رشته کاری قبلی، یا رشته کاری که با آن نزدیکی دارد، اختصاص یابد؛

- ۱- حقوق بازنشستگی سالمندان مهاجر باید با احتساب سنوات کاری گذشته آنان تعیین شود؛
- ۲- امکان آموزش زبان مستمر و متناسب برای همه سالمندان مهاجر تا زمان آموزش کافی آنان از طرف دولت تأمین گردد؛
- ۳- حق پیوستن به تشکلهای حرفه‌ای و صنفی، و یا نهادهای مربوط به بازنشستگان در جامعه جدید، مطابق تخصص و سنوات کاری قبلی برای آنها برسمیت شناخته شود.

مطالبات جوانان مهاجر

به منظور جلوگیری از بیگانه شدن جوانان از محیط جدیدشان، دائمی شدن موقعیت فرودست آنها و کشیده شدن آنها بسوی گروههای بزه‌کار لازم است که:

- ۱- علیه نهادهای ناسیونالیستی و مذهبی که به نفع وجود محلات ویژه مهاجرین تبلیغ می‌کنند، مبارزه جدی شود؛
- ۲- علیه تشکیل گتوهای مهاجرنشین مبارزه شود، مهاجرین جدید بنحوی آگاهانه در سطح شهر توزیع شوند، تدابیر لازم برای تبدیل گتوهای فعلاً موجود به اماکن عادی و غیر نژادی و ملی سکونت اتخاذ گردد، و از هر سیاستی که به نحوی انسانی مانع گتو شدن محیط زندگی پناهنده و مهاجر در جامعه میشود دفاع شود؛
- ۳- فعالیت مستمر آگاهگرانه هم برای جوانان، و هم برای اولیاء آنها، درباره گروههای بزه‌کار جوانان صورت گیرد؛

آگهی



FERDOSI

کتابفروشی فردوسی

فروشگاه جدید فردوسی با امکانات بهتر و محیطی بسیار گرم خدمات زیر را ارائه میدهد:

عرضه همکونه کتابهای فارسی و کردی داخل و خارج از ایران
آبونمان نشریات و روزنامه‌های داخل و خارج از کشور و فروش روزانه آنها
دیسک و نوارهای موسیقی ایرانی و نوارهای کودکان
آلت موسیقی ایرانی
پوستر و کارت پستالهای آبرنگ و مینیاتور

کارهای هنری سفارش شرکت فردوسی از ایران و سایر کشورها
برنامه‌های کامپیوتر: واژه نگار ۱۲۵۰ کرون پیشگار ۹۰۰ کرون
قیمتهای فوق العاده ارزان کتاب برای دوستان کتابخواه در طول سال.
ارسال و تهیه کتاب در هر کجا که هستید.

شنبه‌ها: ۱۵ - ۱۱

دوشنبه تا جمعه ۱۸ - ۱۰



Rådmanngatan

آدرس جدید ما: ۸۷ Drottninggatan

خروجی جهت

Tegnergatan

تلفن: ۰۸-۳۲۳۰۸۰ فاکس: ۰۸-۳۴۴۶۶۰

آگهی

PASARGAD

RESOR AB

آژانس مسافرتی پاسارگاد

نامی آشنا در بین شما ایرانیان عزیز

پاسارگاد با سابقه چندین ساله

با پروازهای استثنائی و با قیمتتهای مناسب در خدمت شما هموطنان می باشد.

پرواز به ایران و اروپا و دیگر نقاط جهان

ارسال و صدور بلیط از اقصی نقاط جهان

فروش بلیط با اقساط ماهانه

شماره تلفن تماس: ۰۸ - ۱۶ ۹۶ ۰۰

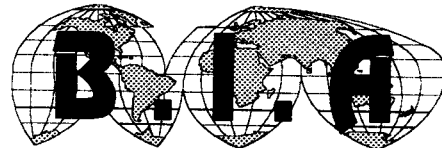
شماره فاکس: ۰۸ - ۱۵ ۵۷ ۳۶

Sveavägen 136

Box 19055

S-104 32 STOCKHOLM

آدرس:



International Exchange

انتقال سریع ارز به

ایران

و دیگر نقاط جهان با قیمت مناسب



۰۳۱ - ۱۵ ۳۵ ۲۹

۰۳۱ - ۱۵ ۳۵ ۲۴

۰۱۰ - ۶۷۷ ۵۶ ۲۲

آدرس دفتر مرکزی در سوئد:

Fredsgatan 1

411 07 Göteborg - Sweden

آدرس دفتر مرکزی در آلمان:

König Str. 50

30175 Hannover Germany

تلفن: ۰۵۱۱ - ۳۴ ۳۰ ۴۰

۰۵۱۱ - ۳۸۸ ۳۹ ۷۱

۰۵۱۱ - ۳۸۸ ۳۹ ۷۲

فکس: ۰۵۱۱ - ۳۸۸ ۳۲ ۹۹

۰۵۱۱ - ۳۴ ۳۰ ۴۱

جشن همبستگی

استکهلم :

زمان : جمعه ۲ دسامبر ساعت ۱۸

مکان : Kistaträff (Kistas tunnelbana)

یوتبوری :

زمان : شنبه سوم دسامبر ساعت ۱۸

مکان : جنب ایستگاه SKF خط ۶ و ۷ (Gamlestan) ۱۱ Braheg. Medborgarhuset -

مالمو:

زمان : شنبه ۴ دسامبر ساعت ۱۸

مکان : Träffhuset, Ystadvägen 22

یوله :

زمان : جمعه ۲ دسامبر ساعت ۱۸

مکان : Näringsgatan 10 (Öster)

نینسهامن :

زمان : شنبه ۱۰ دسامبر ساعت ۱۸

مکان : Viaskolan

عوايد اين جشنها صرف كمپين دفاع از حقوق پناهندگان ايراني در تركيه و عراق خواهد شد.

تسلیت

شورای پناهندگان و مهاجرین ایرانی در یوتبوری ، درگذشت بارزان بهمنی را به کلیه بستگان و دوستان وی تسلیت میگوید.

نمایش فیلم در یوتبوری

در اعماق

اثر روزنامه نگار مشهور آلمانی گوئتر والراف

کار و زندگی کارگران ایرانی در ژاپن

زمان : جمعه ۱۸ نوامبر ساعت ۱۸-۳۰

مکان : Folkethus-Hammarkulletorget

نازیسم در نروژ رشد می کند باید جلوی فعالیت نازیستها را گرفت!

سیامک شعاعی

هیتلر با بدست گیری قدرت ضمن سرکوب کارگران و عناصر چپ و کشتار آنها یادآور این دوران تلخ از حاکمیت نازیها در نروژ میباشد. امروزه ناسیونالیستهای نروژی با تکیه بر ضد کمونیست بودن نازیسم و دولت کویسلین در صدد توجیح و مشروعیت دادن جنایات نازیها در طول جنگ دوم جهانی میباشند. در یک مصاحبه تلویزیونی که با نویسنده کتاب خاطرات کویسلین برگزار گردید، این نویسنده که دارای گرایشات شدیداً ناسیونالیستی و نازیستی است با دفاع از جنایات نازیها گفت که برای جلوگیری از قدرت گیری کمونیستها در نروژ روی کار آمدن این دولت نازیستی ضروری بود و این نازیها در واقع کشور را از "چنگال" کمونیستها رهانیدند.

حمله به دفتر گروه Blitz نه اولین و نه آخرین فقره از حملات نازیها و راسیستها در نروژ علیه خارجیان و عناصر ضد نازیستی میباشد. با نگاهی کوتاه به گذشته میتوان به تعدادی از آمار حملات نازیها و راسیستها به خارجیان و ضد نازیها اشاره نمود:

اول ماه مه ۱۹۷۹: توسط نازیها با پرتاب یک بمب به طرف صفوف کارگران شرکت کننده در راهپیمائی اول ماه مه تعدادی از جمله یکی از محافظین تظاهرات کارگران زخمی گردیدند. مسئولیت این حمله نازیستی علیه کارگران را جبهه فعالین نروژ به عهده گرفت، این گروه یک روز قبل از واقعه حمله به صف کارگران در اول ماه مه، با پرتاب بمب یک نفر را زخمی کرده بود.

۲ جولای ۱۹۸۲: در مرکز شهر اسلو یک بمب قوی منفجر گردید، یک زن جوان در این حادثه به قتل میرسد، یک گروه نازیستی که مرکز بقیه در صفحه ۲۰

روز یکشنبه ۵ آگوست، با پرتاب یک بمب قوی توسط چند نفر از نازیستهای نروژ به طرف دفتر Blitz (گروه آناشیتست و ضد فاشیست نروژ) خسارات فراوانی به این دفتر وارد آمد. در جریان این حمله نازیستها تعدادی گلوله نیز توسط مهاجمین به مقر گروه Biltz شلیک گردید. رشد روزافزون فاشیسم و راسیسم در اروپا، حملات نازیستهای آلمانی و ایتالیایی و فرانسوی به شهروندان "خارجی" در این کشورها، سوزاندن یک خانواده ترک در آلمان تا حمله به کمپهای پناهندگان و یا هجوم گله های فاشیستها در روز روشن در کشورهای دمکراتیک و بالاخص حمایت دولتهای دمکراتیک اروپائی از این اوباشان و جانپان باعث گردیده که فاشیسم و نازیسم اروپائی یک بار دیگر مجری برپایی یک تراژدی خونین و دهشتناک تاریخی گردند.

در نروژ در طی سال گذشته فاشیستها و نازیستها تکانهای قابل ملاحظه ای بر خود داده اند، تشکیل ۳ گروه نازیستی جدید تنها در سال گذشته در شرق نروژ، شرکت فعال گروههای نازیست در کنفرانسهای بین المللی نازیها، همکاری و شرکت در تظاهرات راسیستی و نازیستی بخصوص در سوئد و دانمارک نشان دهنده این واقعیت است که نازیسم در نروژ همانند سایر کشورهای اروپائی در حال سفت کردن جای پای خود است.

نروژ کشوری است که یک دولت نازیستی را در بین سالهای ۴۴ - ۴۰ تجربه نموده است. دولت کویسلین و حزب اتحاد ملی با تکیه بر حمایت

به دستگاه پلیس نروژ اختصاص دارد. بنا به اطلاع SEPO، پلیس سیاسی نروژ که شکایات علیه پلیس را بررسی می کند، تنها در سال ۹۳ در حدود ۶۰۰ شکایت از دستگاه پلیس نروژ به ثبت رسیده است. و حداقل ۴ تن اشتباهاً توسط پلیس به قتل رسیده اند.

در پی آمد این اوضاع و تحت فشار وزیر دادگستری نروژ، رئیس پلیس این کشور که از سال ۱۹۸۲ تاکنون ریاست دستگاه پلیس را به عهده داشته است مجبور به استعفا شد. وی از حامیان اصلی راسیسم و نژاد پرستی در نروژ بود، و خشن ترین سیاست ها را در برخورد به سازمان های ضد راسیستی و حرکات اعتراضی آنها به کار می گرفت.

دولت سوسیال دمکرات نروژ برای جلوگیری از آبروریزی بیشتر، هم زمان با برکناری رئیس پلیس کشور، اقدام به راه اندازی کمیسینی تحت عنوان "کمیسیون ضد راسیستی" توسط بخش جوانان حزب کارگر AUF، حزب در قدرت، کرده است.

به گزارش سیامک شعاعی، دبیر واحد فراسیون در نروژ، یک کمیته سازمان ملل که متشکل از نمایندگان ۱۸ کشور است ضمن انتشار گزارشی درباره راسیسم، مقابله غیر موثر دولت های اروپائی با این پدیده را به شدت مورد نکوهش قرار داده است.

دولت های نروژ و سوئد از جمله دولت هائی هستند که در این گزارش مورد انتقاد قرار گرفته اند.

گزارش کمیته سازمان ملل در این باره آشکار می کند که دولت نروژ و دستگاه های قضائی و اجرائی آن، کمترین اقدامات ممکن را در مقابله با راسیسم انجام داده اند.

در گزارش این کمیته آمده است که در بین سال های ۸۲-۱۹۸۹ در مجموع ۵۱۰ حمله نژادپرستانه علیه پناهندگان و مهاجرین در نروژ به ثبت رسیده است.

سیامک شعاعی در ادامه گزارش خود می نویسد: بخش قابل توجهی از حملات راسیستی

همبستگی

فدراسیون سراسری شوراهای پناهندگان و مهاجرین ایرانی

ماهانہ منتشر میشود.
ISSN 1104-0904

سردبیر: فرهاد بشارت
مدیر اجرایی: بیژن هدایت
ستون ادبی: سلیمان قاسمیانی
صفحه کودکان: سوسین بهار
ستون پاسخ به نامه ها: منشی فدراسیون. جعفر رسا
آدرس مستقیم:

HAMBASTEGI
BOX 240
126 09 HÄGERSTEN
SWEDEN

شماره تلفن: ۰۴۶-۰۱۰-۲۰۹۸۰۰۱
(روزهای سه شنبه و چهارشنبه و پنجشنبه)

ساعت ۱۵ تا ۱۷. بوقت اروپای مرکزی)
شماره فاکس: ۰۴۶-۰۸-۵۲۰۲۷۲۵۹

شماره حسابهای بانکی
در آلمان:

HAMBASTEGI
KONTO: 95306 - 7
BLZ: 501900 00
FRANKFURTER VOLKSBANK
6000 FRANKFURT 1
GERMANY

HAMBASTEGI
KONTO 146535331
FÖRSTA SPARBANKEN
KLARABERGSG. 25
111 21 STOCKHOLM
SWEDEN
4780666-6

شماره جیرو پستی در سوئد

مسئول انتشار همبستگی و آمپی ها در کشورهای مختلف

اسکاندیناوی

بهرام رحمانی

شماره تلفن/فاکس:

۰۸-۵۳۱۸۰۸۳۳

۰۷۰۸-۵۷۸۹۹۴

شماره تلفن:

(روزهای دوشنبه تا جمعه از ساعت ۱۰ صبح تا ۶ بعدازظهر)

شماره جیرو پستی: POSTGIRO: 20 09 74-4

آدرس پستی: IFR

BOX 9092

102 72 STOCKHOLM

کانادا:

جهان صابری

مدیر توزیع: امیر رحمانی

شماره تلفن ها

تورنتو

وینکور

شماره فاکس

آدرس پستی: HAMBASTEGI

P.O. BOX 193 STN. Q

TORONTO ONT. M4T 2M1

آمریکا

محمود احمدی

شماره تلفن/فاکس:

(۳۱۰) ۲۰۷ ۹۶۵۲

HAMBASTEGI

P.O. BOX 251272

LOS ANGELES, CA. 90025

آلمان

فواد درویش

شماره تلفن:

(۰۵۶۱) ۷۱۳ ۳۴۵

(۰۵۶۱) ۱۰۳ ۲۷۶

شماره فاکس:

آدرس پستی: I.F.I.R.

ELFBUCHENSTRASSE 18

34119 KASSEL

همبستگی در کانادا، آمریکا، آلمان و اسکاندیناوی مجانا در اختیار همگان است و صرفاً با پرداخت هزینه پستی به هر نقطه از این کشورها ارسال میشود. فروشگاههای توزیع کننده همبستگی میتوانند در ازای هر نسخه معادل یک کرون (یا یک مارک) از مشتریان حق الزحمه دریافت کنند.

بریتانیا ۹۰ پنیس
اتریش ۱۹ شلینگ
ترکیه ۵۰۰۰ لیر

در دیگر کشورهای اروپا معادل ۲/۵ مارک آلمان
در دیگر کشورهای آسیا معادل ۵۰۰۰ لیر ترکیه

محکومیت دولت نروژ به خاطر راسیسم